

مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يُفْقِدُ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ

بفضل برادران سزاوارت و دانشمند و تصنیف حضرت شاکا و استاد پستی بزرگوار می خست



بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

وَمِنْ أَنْظَارِ الْكَافِرِينَ

الی بکر السیوطی رحمه الله علیه یسیدنا عامه و شیعین از ان متع شون و این عاصی بد عاصی حسن خلد و مغفرت تو
امداد و اعانت فرماینده و الله المستعان و علیه الشکلاک و لا حول و لا قوة الا بالله العلی

باب اول در علامات قیامت که پیش از وقوع آن بظهور آید

نوع اول در علامات صحرای صحیحین از انس بن مالک روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
علامت قیامت آنست که علم برداشته شود و جهل زیاد شود و زنا و شرب خمر بسید باشد و زنا
بسیار پیدا شوند و مردان کم تا آنکه بر بست زن یک و یتیم باشد و در صحیحین از عبد الله بن عمر روایت است
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که علم از سینه های مردم بخوابد شد لیکن علم با هم میرند و سرداران چاهل باشند
بی علم حکم کنند گمراه شوند و گمراه کنند و احمد و غیره از زیاد بن ابیه روایت کرده که گفتم یا رسول الله علم چگونه
ما قرآن بخوانیم و پسران خود را می آموزیم و آنها پسران خود را آموزند همچنان تا روز قیامت باشد آنحضرت فرمود
من ترا و انما فی النسم غمی یعنی بیو و و نصاری تو نیست و خلیل من خواهند و بران عمل نمیکند و مسلم از جابر از آنحضرت
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در غلگولیان بسیار باشد مخاری از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه
و سلم آورده که کار با سپرده شوند کسان را که اهل آن نباشند و مسلم از ابی هریره از آنحضرت آورده که مردی
از کثرت بلا آرزوی موت کند و ترندی از ابی هریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده و قتی که
مال غنیمت را سرداران و ملت خود دانند و مردم امانت را غنیمت بینند و زکوة را تاوان دانند و علم را
برای دنیا آموزند و مرد و فرمان برداری زن و نافرمانی مادر کنند و یار را نزدیک و پدر را بعید کنند و در مساجد
آواز بلند کنند و فاسقان رئیس قوم باشند و ارازل ضامن قوم باشند و از خوف بدی مردان اگر می
گروه شود و مطوعها و معازف علانیه کرده شوند و خمر خورده شود و آخر است ابدی است را که بکشند پس
منتظر باشند در الوقت با و تند را که سرخ رنگ باشد و زرا از خست و مسخ و قوت و دیگر علامات قیامت
بی بی آیند چنانچه رشته گسسته شود و دانها که دران مستطعم باشند فرود ریزند و ترندی از
علی رضی الله عنه این حدیث روایت کرده که کم ازین و دوران پوشیدن حیر هم گفته

در حدیث صحیحین از عبد الله بن عمر روایت است
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که علم از سینه های مردم بخوابد شد
لیکن علم با هم میرند و سرداران چاهل باشند
بی علم حکم کنند گمراه شوند و گمراه کنند
و احمد و غیره از زیاد بن ابیه روایت کرده که گفتم
یا رسول الله علم چگونه
ما قرآن بخوانیم و پسران خود را می آموزیم
و آنها پسران خود را آموزند
همچنان تا روز قیامت باشد
آنحضرت فرمود
من ترا و انما فی النسم غمی
یعنی بیو و و نصاری تو نیست
و خلیل من خواهند
و بران عمل نمیکند
و مسلم از جابر از آنحضرت
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که
در غلگولیان بسیار باشد
مخاری از ابی هریره از آنحضرت
صلی الله علیه و سلم آورده که
کار با سپرده شوند کسان را
که اهل آن نباشند
و مسلم از ابی هریره از آنحضرت
آورده که مردی از کثرت بلا
آرزوی موت کند و ترندی از
ابی هریره آورده که آنحضرت
صلی الله علیه و سلم فرموده
و قتی که مال غنیمت را
سرداران و ملت خود دانند
و مردم امانت را غنیمت بینند
و زکوة را تاوان دانند
و علم را برای دنیا آموزند
و مرد و فرمان برداری زن
و نافرمانی مادر کنند
و یار را نزدیک و پدر را بعید
کنند و در مساجد آواز بلند
کنند و فاسقان رئیس قوم
باشند و ارازل ضامن قوم
باشند و از خوف بدی مردان
اگر می گروه شود و مطوعها
و معازف علانیه کرده شوند
و خمر خورده شود و آخر است
ابدی است را که بکشند پس
منتظر باشند در الوقت با
و تند را که سرخ رنگ باشد
و زرا از خست و مسخ و قوت
و دیگر علامات قیامت بی بی
آیند چنانچه رشته گسسته
شود و دانها که دران مستطعم
باشند فرود ریزند و ترندی
از علی رضی الله عنه این حدیث
روایت کرده که کم ازین و
دوران پوشیدن حیر هم گفته

یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک رسد خارج کنیم را
مردم دایه الارض که سخن گوید با مردم آنکه مردم آیات مایقین میشدند و در قرآنی غیر متواتر تکلم
بفتح تا و سکون کان و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را برای آنکه آیات خدا یقین بخشد
ابن عباس گفته که هر دو باشد با مسلمانان کلام کند و کافران را زخم رساند و در روایات احادیث
اختلاف است در بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان باشد صاحب لحمه و سائر بدن
مثل پرند باشد و در اکثر روایات آمده که چهار پایه باشد و در مکه از کوه صفا باید ابن عباس در حج بر
کوه صفا عصا گرفت و گفت که دایه الارض آواز این گرفت می شنود و بسیار عظیم الجثه باشد
عبد الله بن عمر گفته که سر او با برسد و پای او هنوز در زمین باشد و بقوی از ابی شریح انصاری از
انحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که دایه الارض سه بار خارج شود اول همین ذکر او در صحرا باشد
و در مکه ذکر او در سرسبز و در صحرا قریب مکه باید و ذکر او در مکه رسد سوم بار در مکه بر سر خود را از خاک افشان
و بر مردم کند و بر سرستی که کسی از وی گریختن ننهد و سخن گوید مسلمان بیا مومن و کافر را گوید یا کافر و در وقت
آمده که با وی عصای موسی و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی پیشانی مومن نکته سفید نهد و لفظ سون
نوشته شود و تمام روی او روشن شود مثل کوب درخشان و کافر را نکته سیاه بخاتم سلیمان بر پیشانی
کند کافر نوشته شود و روی او سیاه شود و بعد از آن دوم بشناسند و در بازار بگویند ای مومن بخت
میدهی و در بعضی روایات آمده که خروج دایه الارض محصور عیسی باشد عیسی مسلمانان و بطواف باشند
که زمین ببرد و صفا شکافته شود و او باید لیکن صحیح مسلم آنست که اول آیات طلوع شمس از مغرب
و خروج دایه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دایه الارض امر معروف و نهی منکر باقی نماند
و هیچ کافر بعد از آن ایمان نیاورد و نزدی از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم
فرموده قسم بکسی که جان من دوست اوست قیامت قائم نشود تا که سیاح با آدمیان سخن گویند و دوست
تا زیاده و شرک نعل کلام کند و در آن خبر و پیچیزی که زن او بعد او کرده باشد و مسلم از حدیث یقین
اسد غفاری از رسول صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قائم نشود قیامت تا که دو چیز پیش از آن

بطور آینه دخان و جبال و دایه الارض و طلوع آفتاب از مغرب نزول عیسی علیه السلام و یا جمع و یا جدا
 و خستندگی در مشرق دوم و در غرب سوم و در جزیره عرب و آخر همه آتشی از زمین آید که مردم را بسوی محشر
 یعنی زمین شام و در روایتی و هم بادی تند و زده که مردم را در و یا افکند و مسلم از ابی ذر از آن حضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که طلوع آفتاب از مغرب و جبال و دایه الارض هرگاه ظاهر شود بعد از آن همان کافر
 و توبه مقبول نباشد و بغوی و غیره از حدیث روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که علامت
 قیامت اول دخان است و نزول عیسی علیه السلام و خروج آتشی از غار عدن که مردم را بسوی محشر برد
 حدیث گفته یار رسول الله و خان چیست آنحضرت این آیه خواند **فَاذْقِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ**
السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا آيَاتُ يَوْمٍ مَّوَدَّخَانَ از مشرق
 تا مغرب در گیرد و چهل شب بگذرد باشد مسلمانان را مانند زکام رسد و کافران را حالت سستی
 روی دهد از بینی و گوش و در دوش و در دوش و این مسعود از این معنی انکار کرد و در صحیح بخاری است که ابن مسعود
 گفته که چون قریش از آنحضرت کمال بدی کردند آن حضرت دعا کرد و قحطی آمدی شد که مردم آنجا را نجات
 و از شدت گر سنگی آنها را از زمین تا آسمان در خان نظرمی آمد لیکن روایت حدیث و غیره معلوم میشود که
 دخان هم از علامات قیامت باشد و بیه قال ابن عباس و ابن عمر و حسن بصری
 فصل قصه دجال از رسول صلی الله علیه و سلم و در صحیحین و غیره آمده که چشم راست او کور باشد و در
 بعضی روایات چشم چپ و در میان هر دو چشم او کافر مرقوم باشد هر کس از مسلمانان آنجا
 باشد یا نباشد جوان باشد و زواید موی از میان عراق و شام بیرون آید هفتاد هزار کس از نبود
 اصفهان بادی باشند هر سو فساد کند چهل روز باشد یک روز برابر سال روز دوم برابر ماه و روز
 برابر هفته دیگر ایام مانند سایر ایام مردم پرسیدند یا رسول الله در آن روز که برابر سال باشد ما را نماز
 کفایت کند فرمود نه اندازه کرده بخوانده باشد و مثل باد تند و زمین سیه کند و جماعتی آید که من
 پروردگار شما ام با من ای جان آری آنها ایمان آرند پس آسمان را بگوید باران جاری و زمین را بگوید
 زراعت پیدا شود و مواشی آنجا فروید و شیر دار شود و بر قومی دیگر بگذرد و آنها را همچنان گوید

له برین نظر
 باشد و درین باب
 بسیار آسان
 در دین ظاهر که
 دیگر در دین
 را این عذاب
 در دین است
 و درین فصل
 است عبدالله
 ابن عباس
 عبدالله بن عمر
 حسن بصری
 رضی الله تعالی
 عنهم و صحیحین
 و درین باب
 چهل روزند

آنها سخن او را رد کنند پس با الهای شان ملاک شود و بر زمین خرابه بگذرد و بگوید که خزانههای خود و بر
خزانههای زمین بشود و او کنند مردی مسلمان پیش او آید پیشروان او گویند کجا میروی گویند بسوی
این شخص که براده است آنها گویند که تو با پروردگار ما ایمان نداری گویند پروردگار ما پوشیده است
گویند این را بکشید پس بعضی بعضی را گویند که پروردگار شما منع کرده است که بدون حضور من کسی را
نکشید پس او را حضور بر ند چون مرد مومن او را ببیند گوید این در جالست که رسول الله صلی الله علیه و سلم
از آن خبر داده بود پس جال گوید این را بگیرید و بزنید او را بگیرند و بزنند و بگویند که ایمان من آرا گویند
که تو مسیح دجال هستی آن زمان امر کنند که او را از ستر تا قدم از آره دو پارچه کنند و خود از میان برود
بگذرد و پسترا او را بگوید که برخیز از زنده شود و برخیز و پس گویند که حالا ایمان من می آری موسی گویند که حالا
زیاده تر ترا دانستم که تو دجال هستی موسی گویند که ای مردمان حالا این چنین با کسی نخواهد کرد پسترا او را جدا
بگیرد و خواهد که ذبح کند حق تعالی گردان او از مس گرداند و کار نکند پس دست و پایش گرفته بر تابد مردم
دانند که بسوی آتش بر تافته است و او بسوی جنت انداخته شود رسول الله صلی الله علیه و سلم
فرمود که انگشت رگتر باشد و شهادت نزد خدا و با دجال صورت جنت و نار باشد چیزی را که مردم
دانند جهنم است و چیزی را که جهنم دانند جنت است و در روایتی از روایات مذکوره در صحیح مسلم آمده
که دجال شخصی را طلب کند که جوانی در وی کامل باشد او را شمشیر زند و دو قطعه کند پسترا او را بخواند
و او بر خاسته بیاید آن زمان بخندد و خوش شود در بهمان حال عیسی علیه السلام هر دو دست بر
بازوهای دو فرشته نهاده بر مناره سفید شرقی دمشق فرو آید در حالیکه چون سرفرو کند قطره
از سرش افتد و چون سربالا کند از آن مثل و انهای مروارید فرو ریزد و کافرا اگر بسوی او رسند میرود
و متشرد جاییکه نظر او رسد پس در پی دجال شود و او را نزد باب که در هیئت نزدیکی است
دریابد و او را بکشند پس مسلمانان که از دجال محفوظ مانده بودند با عیسی جمع شوند و عیسی بر آنها
شفقت فرماید و بدرجات بهشت بشارت دهد پس ناگاه حق تعالی بسوی عیسی می کند که برادر
این بندگان خود بندگان منی که کسی قدرت جنگ با آنها ندارد نگاهدار بندگان مرا بسوی طور پس حق تعالی

و تشدید آن را که می
ست در م بعضی
گفته اند نام آن است
از در است بی هیچ
و بعضی گفته اند آن
و نه سلطان است
و در بعضی دیگر گفته

یا حج و اوج را فرستد که از هر بلندی بستی می آیند پس مشروران آنها بر دریای طریقه بگذرند
 تمام آب آنرا بنوشند چون س آیندگان آنها آنجا بگذرند بگویند که اینجا گاهی آب باشد پس سیر کنند
 آنها تا که رسند بمحلی که کوهی است نزد بیت المقدس پس بگویند که اهل زمین بکشیم باشد که اهل آنجا
 بکشیم پس تیر بسوی آسمان اندازند حق سبحانه تعالی تیرهای شان را پر خون بازگرداند و بی اندیشه
 علیه السلام و یاران او محصور باشند تا آنکه کلاه و زدن آنها بهتر باشد از صد دینار نزد شما پس
 روی آورند بجهنم و یاران او بدعا بسوی خدا پس حق تعالی گرمی در گردنهای آنها پیدا کند پس همه آنها
 بمیزد پس عیسی و یاران او از طور بسوی زمین فرود آیند و یکدست در میان مردار و بدبوی یا حج و اوج
 خالی نیابند باز عیسی و یاران او بجناب الهی دعا کنند حق تعالی جانوران را بفرستد که گردنهای آنها
 مثل شتران ^ع خنجر باشد آنها را بر داشته چنانکه خدا خواهد بپندازند و کمانهای تیرهای ترکشهای شان
 آنقدر باقی ماند که تا هفت سال مسلمانان مسوخته باشند پس حق تعالی باران بفرستد که هیچ خانه از
 یا بارچ و پشم پناه از آن باران نتواند کرد پس تمام زمین را بشوید تا که صاف شود مثل آینه پس
 بفرماید حق تعالی زمین را که ثمر را رویند و برکت باز دهد پس در آن روز یک انار آنقدر باشد که جماعتی
 بخورد و از پوست آن سایه کند و در مویشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیردار کفایت کند
 جماعت کثیره را و گاوها و ماده شیردار یک قبیله کلان را و بز ماده شیردار کفایت کند قبیله خرد را
 همچنین باشند تا آنکه حق تعالی باد پاکیزه بفرستد و مردم را از زیر غلها بگیرد و از آن باد همه مسلمانان
 بمیزند و کفار باقی مانند باهم اختلاط کنند مثل خزان برانها قیامت قائم شود و در صحیحین آمده که دجال
 از مشرق بقصد مدینه آید پس کوه احد فرود آید حق تعالی او را از دخول مدینه محروم داشته تا که
 روی او را بسوی شام گردانند و آنجا هلاک شود و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که هر که دجال
 در یابده آیات اول سوره که بعد از شرا و این باشد و یسقی از ابله هریره روایت کرده که
 دجال بر خراب باشد میان دو گوش آن خرفتن و باع فاصله باشد باع مقدار قد آدم است و ده
 صحیح مسلم قصه رستم داری است از آن معلوم می شود که دجال موجود است محسوس است

در طریقه بگذرند
 تمام آب آنرا بنوشند
 آنها تا که رسند
 محلی که کوهی است
 نزد بیت المقدس
 پس بگویند که اهل
 زمین بکشیم
 باشد که اهل آنجا
 بکشیم پس تیر
 بسوی آسمان
 اندازند حق
 سبحانه تعالی
 تیرهای شان را
 پر خون باز
 گرداند و بی
 اندیشه علیه
 السلام و یاران
 او محصور
 باشند تا آنکه
 کلاه و زدن
 آنها بهتر
 باشد از صد
 دینار نزد
 شما پس روی
 آورند بجهنم
 و یاران او
 بدعا بسوی
 خدا پس حق
 تعالی گرمی
 در گردنهای
 آنها پیدا
 کند پس همه
 آنها بمیزد
 پس عیسی و
 یاران او از
 طور بسوی
 زمین فرود
 آیند و یکدست
 در میان
 مردار و
 بدبوی یا حج
 و اوج خالی
 نیابند باز
 عیسی و یاران
 او بجناب
 الهی دعا
 کنند حق
 تعالی جانوران
 را بفرستد
 که گردنهای
 آنها مثل
 شتران خنجر
 باشد آنها را
 بر داشته
 چنانکه خدا
 خواهد
 بپندازند و
 کمانهای
 تیرهای
 ترکشهای
 شان آنقدر
 باقی ماند
 که تا هفت
 سال
 مسلمانان
 مسوخته
 باشند پس
 حق تعالی
 باران
 بفرستد
 که هیچ
 خانه از
 یا بارچ و
 پشم پناه
 از آن باران
 نتواند کرد
 پس تمام
 زمین را
 بشوید تا
 که صاف
 شود مثل
 آینه پس
 بفرماید
 حق تعالی
 زمین را
 که ثمر را
 رویند و
 برکت باز
 دهد پس
 در آن روز
 یک انار
 آنقدر
 باشد که
 جماعتی
 بخورد و
 از پوست
 آن سایه
 کند و در
 مویشی
 آنقدر
 برکت
 شود که
 یک شتر
 ماده
 شیردار
 کفایت
 کند
 جماعت
 کثیره را
 و گاوها
 و ماده
 شیردار
 یک قبیله
 کلان را
 و بز ماده
 شیردار
 کفایت
 کند
 قبیله
 خرد را
 همچنین
 باشند
 تا آنکه
 حق تعالی
 باد پاکیزه
 بفرستد
 و مردم
 را از زیر
 غلها
 بگیرد و
 از آن باد
 همه
 مسلمانان
 بمیزند و
 کفار
 باقی
 مانند
 باهم
 اختلاط
 کنند
 مثل
 خزان
 برانها
 قیامت
 قائم
 شود و در
 صحیحین
 آمده که
 دجال
 از مشرق
 بقصد
 مدینه
 آید پس
 کوه احد
 فرود آید
 حق تعالی
 او را از
 دخول
 مدینه
 محروم
 داشته تا
 که روی
 او را
 بسوی
 شام
 گردانند
 و آنجا
 هلاک
 شود و
 آنحضرت
 صلی الله
 علیه و سلم
 فرمود که
 هر که
 دجال
 در یابده
 آیات اول
 سوره که
 بعد از
 شرا و این
 باشد و
 یسقی از
 ابله
 هریره
 روایت
 کرده که
 دجال
 بر خراب
 باشد میان
 دو گوش
 آن خرفتن
 و باع
 فاصله
 باشد باع
 مقدار
 قد آدم
 است و ده
 صحیح
 مسلم
 قصه
 رستم
 داری
 است از
 آن معلوم
 می شود
 که دجال
 موجود
 است محسوس
 است

در جزیره دریای شام یا دریای بین و دخول که و مدینه و جال را میسر نه شود
 فصل در صحیحین از ابی هریره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که فرد
 آید عیسی بن مریم حاکم عادل شکسته صلیب را که نصار آزما می پرستند و بکشد و کسان را یعنی
 حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جریه نهند بر نصار و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که
 نصار کفر خود باشند و بعیثی گردیده نشوند و آن بسیار تقسیم کنند تا آنکه کسی قبول نکند و
 یک سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و ما فیها و مسلم زیاده کرده که شتر ماده جهان را گذاشته شود
 کسی بروی استی نمکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
 کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود او را وقت بگوید که شما
 اماست کنید و نماز کنانید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اکر ام این امت و این جزیری از
 عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و کاج کند
 و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پستیزد و با من در قبر من دفن کرده شود و در
 قیامت من و عیسی بر خیزیم در میان ابی بکر و عمر و لیکن در صحیح مسلم از عبد الله بن عمر و از آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست
 که بودن عیسی از زمین چهل و پنج سال است از آنجمله سنی هشت سال پیش از رفتن رسول آسمان و هفت سال بعد از
 فصل از ابی هریره در صحیحین و نیست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت تو را
 گنجی بیرون دهد از زیر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که بگیرد و از آن روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات کوهی از زیر بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه
 از حد کس نرود و نه گشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و تیر مسلم از ابی هریره آنست
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشه های خود را مانند ستون ها از زرد فقره و قاتل
 حسرت کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم
 کرده بودم و در بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرد و کسی آذرا

در جزیره دریای شام یا دریای بین و دخول که و مدینه و جال را میسر نه شود
 فصل در صحیحین از ابی هریره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که فرد
 آید عیسی بن مریم حاکم عادل شکسته صلیب را که نصار آزما می پرستند و بکشد و کسان را یعنی
 حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جریه نهند بر نصار و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که
 نصار کفر خود باشند و بعیثی گردیده نشوند و آن بسیار تقسیم کنند تا آنکه کسی قبول نکند و
 یک سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و ما فیها و مسلم زیاده کرده که شتر ماده جهان را گذاشته شود
 کسی بروی استی نمکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
 کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود او را وقت بگوید که شما
 اماست کنید و نماز کنانید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اکر ام این امت و این جزیری از
 عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و کاج کند
 و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پستیزد و با من در قبر من دفن کرده شود و در
 قیامت من و عیسی بر خیزیم در میان ابی بکر و عمر و لیکن در صحیح مسلم از عبد الله بن عمر و از آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست
 که بودن عیسی از زمین چهل و پنج سال است از آنجمله سنی هشت سال پیش از رفتن رسول آسمان و هفت سال بعد از
 فصل از ابی هریره در صحیحین و نیست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت تو را
 گنجی بیرون دهد از زیر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که بگیرد و از آن روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که فرات کوهی از زیر بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه
 از حد کس نرود و نه گشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و تیر مسلم از ابی هریره آنست
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشه های خود را مانند ستون ها از زرد فقره و قاتل
 حسرت کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم
 کرده بودم و در بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرد و کسی آذرا

از آنکه شانه

فرمان عیسی علیه السلام

خاکست و همان

عالی الله علیه و سلم

در آنکه آنحضرت

در احادیث آمده که

از آنکه آنحضرت

از آنکه آنحضرت

از آنکه آنحضرت

نگیرد این مرد و حدیث بر از من مختلفه حمل کرده شود شاید که در ابتدا برای گرفتن مال قتال کند و آخر کار کسی
قبول نکند و الله اعلم و سلم از عبده المدین مسعود و انس و غیر چهار وایت کرده که قیامت نخواهد شد
مگر برترین خلق کسی در زمین الله المدینگوید بعد وفات عیسی مسلمانان از بادی لطیف بمیرند و مردم مسعود
و سکرانشناسند و شیطان تمثل شود و بهت پرستی دلالت کند و لالت و غری دزدان خاصه را پرستند
آن زمان نفخ صور شود و هر که شنود گنج کند گردن را پس بمیرند و الله اعلم نفخ اول است که از آن بمیرند و در
حدیثی آمده که نفخ اول نفخ فرج است که از آن نفخ اهل آسمان در زمین در فرج و دشت آیند از آن نفخ کوهها
بپزند و مثل ریگ شده بریزند و زمین در انحرش آید چنانچه کشتی در دریا میلزد و مردم از غرض زمین
مضطرب شوند و زمین خزان مردگان را که در زمین باشند بیرون افکند و زمان باردار اسقاط حمل
کند و بچکان و جوانان پیر و ضعیف شوند و شیاطین از بهول بگیرند بسوی اقطار زمین پس ملائکه
رومایشان را بزنند و باز گردانند و مردم بگیرند و بعضی بعضی را نکند آن زمان زمین بشکافد و آسمان
مانند دوشی شود و پس بشکافد و ستارگان بریزند و شمس و قمری نور شوند این همه عذاب بر شرار
خلق باشد و مردگان را ازین خبر نباشد بعدین حال چندی باشند پستتر حکم شود و اسرافیل را که باز در
صور بدهد و در آن دم همه بمیرند از انس و جن و شیاطین بعده ملائکه بمیرند تا که باقی مانند مگر جبرئیل و میکائیل
و اسرافیل و عزرائیل و حکم عرش پستتر حکم شود جبرئیل و میکائیل بمیرند پستتر حاملان عرش بمیرند
و عرش با حکم شود و صور از اسرافیل بگیرد و اسرافیل میسر و حق تعالی بفرماید
إِنَّ الْمَلِكُ أَلَيْسَ بِكَسْبِي جَاب دهنده نباشد خود بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْقَهَّارُ**

باب دوم در احوال روز بعثت و نشور که پنجاه هزار ساله باشد تا دخول جنس نما

بعده نفخ ثانیه یا اولی علی اختلاف الروایتین چون چهل سال بگذرند باران از عرش فرویزد و بر زمین چلند
تا که آب بالای زمین دوازده گز شود و از آن آب حق تعالی اجساد مردگان را بر ویانند چنانچه سبزه
از زمین میروید چون جسد های آدمیان کامل شود چنانچه بود و حق تعالی زمینی دیگر از لقره پدید آید

له در دوزخی منسی
در شرب درون
فی اقدار فلکات
درده کالمان
یعنی آسمان دران
روز سنجنگ دو
مثل در دوزخ و غیره
بیش از این می باشد
له باری کست
پادشاهی ارونا
له باری خدا بی
چکان غالب

آسمانی دیگر از زمین جدا کند و مردگان ازین زمین بران زمین اندازد و بر پشت زمین در شکم زمین برتر
حق تعالی اول عالم را عرش رازنده کند پستتر حق تعالی اسرافیل رازنده کند و صور از عرش بگیرد و
بر لب نهد پستتر جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان رازنده کنند و ارواح را طلب نماید ارواح مومنان
بنور ایمان تابان و درخشان و ارواح کافران بظلمت کفر و معاصی سیاه همه را حق تعالی در صور اندازد
پس حکم خدا اسرافیل صور بداد و ارواح باین نفخه که دوم باشد یا سوم مانند نخل از صور برآیند و حکم الهی
بر یک روح در جسد خود داخل شود از راه بینی و زمین شکافد و مردگان از زمین برآیند رسول فرمود صلی
علیه وسلم اول کسی که از زمین برآید من ششم پستتر همه مومنان از قبور برآیند مومنان قتل بر جنازه
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنْكَ الْحُزْنَ إِنَّ رَبَّنَا غَفُورٌ شَكُورٌ و کافران قتل بر جنازه
گویند یا و کُنَّا مِنْ بَشَرِكُمْ مِنْ مُرْقَدِينَ هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ
هر جماعتی برآیند و با اهل عمل خود صالحان یا صالحان با فاسقان با فاسقان کافران با کافران رسول
فرمود صلی الله علیه وسلم بعثت کرده شوم من روز قیامت در میان ابوبکر و عمر پس را می لبس
بپوشد پس دم بقیع با من جمع شوند پستتر برآیند بسوی من اهل مکة و مدینه و هر کس شتر کرده شود و غلی که
بر آن مرده باشد سبیدان چون بعثت شوند از زخمهای شان خون برآید که در رنگ شل خون و بوی نهند
مشک باشد و هر که در چمر مرده تلبیه گویند بر خیزد و هر که در شراب خواری مرده دستهای بر خیزد و همچنین صحابه
بر عمل نیک یا بد در تحقیق آمده که همه کسان بر همه غیر مختون بر خیزند اول کسی که پوشانیده شود و از ابرام
علیه السلام باشد که دو پارچه سفید نفیس از پشت پوشانیده شود پستتر رسول کریم صلی الله علیه
وسلم به بهتر از آن پستتر دیگر رسل و انبیاء پستتر پوشانیده شوند مومنان و در بعضی احادیث آمده که مرد
در میان پارچه که مدفون شدند برآیند و بعضی گویند که آن شهیدان باشند که در پارچه پشه
مدفون شده بودند و شاید که همه مردگان در پارچه خود مدفون شوند پستتر آن پارچه دور شود و پشه
گردند پستتر هر یک موافق عمل او پوشانیده شود و بعضی گویند مراد از پارچه اعمال صالحه است حق تعالی
میفرماید وَلِبَاسٌ لِلتَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ پستتر رسول صلی الله علیه وسلم بر براق سوار شود

له ای گمشده
عنه پستتر
خدا ای که در
از اندوه آید
پروگار
آزاده و خوش
ست و افرا
سایه ای با
که خدایا
از خوابگاه با
باش که در
دارد و صفای
درست گفتند
پنجایان از
و لباس از
وی از جسد

فصل در ذکر کوشی چون مردم از قبور بر آیند تشنگی بر آنها غالب باشد و بهتر خبر را در آن روز حوضی باشد و
 هر امتی را علامتی باشد که نبی شان از آن علامت است خود را بشناسد و سید الرسل صلی الله علیه و
 سلم را حوضی باشد بنام کوشی که در معنی خیر کثیر طول و عرض آن یکما به راه باشد آب آن سفید تر از شیر و
 شیرین تر از عسل و سرد تر از برف و خوشبو تر از مشک و در آن آب کوزه ها باشند مانند ستارگان
 زمین و از یاقوت و مرجان و زمره باشد و در آن در میز آب نبشت افتند و علامت است
 آنکه رسول الله صلی الله علیه و سلم آن باشد که روشن باشند اعضای وضو از ایشان و علی بن ابی طالب
 رضی الله عنه ساقی باشد هر که از آن آب و او آنکس باز تشنه نشود و بعضی علما گویند که در روز
 بر حوض بعد گذشتن از صراط باشد و بعضی پیش از حساب گویند و ظاهر آنست که بعضی کسان بر وقت
 برخاستن از قبور داد می شود و بعضی را بسبب عطشی در آن وقت آب نداده شود و بعد خلاصی از دوزخ
 پیش از دخول جنت داده شود تشنگی بر داشتن در صوم سبب خوردن آب کوشی باشد مشرکان را
 آب کوشی نصیب نیست علما گفته اند که اهل بیوا یعنی روافض و خوارج و معتزله و مانع نشان
 نیز از آب کوشی محروم باشند و اهل کبار را بعد خلاصی از دوزخ آب کوشی رسد
 فصل چون مردم بمشتر جمع شوند دوزخ را آورده شود هفتاد هزار باگ بر هر باگ هفتاد هزار شفته
 و قتی که دوزخ بر صند ساله راه از خلعت باشد بجنبند و حمله کنند بقسمی که انبیاء و ملائکه از خوف و یا
 بزرانوا افتند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه و سلم امتی استی گوید حق تعالی فرماید
 اَقْلِيَا فِي مَنَ امْتِنَا لَا خَوْفٌ عَلَيَّكُمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ سر خواهیم کرد چشم ترا در حق است
 یا محمد و آفتاب دیک شود در آن روز بقدر یک میل و حرارت او زیاده کرده شود مردم در عرق
 غرق شوند بقدر گناهایشان بعضی تا شش انگشت و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی تا دهن علما گفته
 اند که این از خوارق آرزوست که در زمین برابر متفاوت در عرق غرق شوند و در آن روز سایه اعمال صالحه
 باشد بسبب اعمال صالحه و دوام ذکر خدا و عدالت حاکمان و رحم بر ضعیفان و ترسیدن از خدا
 و تعلم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصا لله و حسن اخلاق و صلوات رحم و مانند آن سایه عرش خدا باشد

لله و ستان
 ن از امت تو
 ن از کس است
 بر ایشان و نه
 اندر زمین شوند

کسانیکه خالصا مذل و واسطه قرابت و مانند آن با هم دوستی کنند و مردم را دوستی خدا دهند و با خدا
 دوست سازند در آن روز آنها را حق تعالی بر منبرهای نورشانند که انبیاء و شهداء از آن غمگینند و کسانیکه عین
 بمردم آموزند آنها را حق تعالی بر منبرهای زیر قیما اوسیم نشانند که مرصع باشند و درید و قوت و پوشش
 آن قیما از سندی است برقی باشد چون در آن روز مردم در عصا در عرق غرق و محسوس باشند و از
 طول انتظار آرزو کنند که از آن مقام ربانی بایند اگر چه بدو رخ روند آن زمان شفیع طلب کنند اول از اکرم ستر از حج
 پستر از ابراهیم پستر از موسی پستر از عیسی شفاعت خواهند کسی از آنها در خود قدرت شفاعت نیابد آنگاه
 پیش سرور کائنات رجوع نمایند آنحضرت بشفاعت بر خیزد و پیش عرش مجید آمده و سر بسجده بند آنگاه
 فرشته بیاید و بگوید یا محمد چه میخواهی آنحضرت بگوید یا رب عده کرده بودی بمن قبول شفاعت شفاعت من
 قبول کن و در میان خلایق قضا کن حکم شود که شفاعت تو قبول کردم و برای قضا می آیم رسول فرمود صلی
 علیه و سلم پس همراه مردم با تم ناکاه آواز فرود آمدن شنوم اهل آسمان بپایین فرود آیند در زمین از آنها شود
 از جن و انس که در زمین باشند از همه نشان آفرود باشند و صف بسته بایستند پستر اهل آسمان دوم
 بسیار زیاده از اهل زمین اهل آسمان اول پستر اهل آسمان سوم زیاده از دو همچنین جمیع اهل آسمان فرود
 هر یک زیاده از سابق پستر حق تعالی نزول فرماید **فِي ظُلُمٍ مِّنَ اللَّيْلِ** مراد از نزول و آمدن
 نحوی از تجلی باشد پس حق تعالی در جانوران حکم بقصاص میاید بر بی شاخ از شاخدار عوض کرد و اگر
 انسانی عصفوری را بکشد عصفور فریاد کند یا بر این شخص مرای فائده کشت خورد
 به منفعت گرفت و زنده گذاشت در زمین تو رسول فرمود صلی علیه و سلم زنی بسبب گریه
 در دوزخ رفت او را بسته داشت و طعام نداد و نه وا گذاشت تا از حشرات زمین بخورد و
 شتری را علف نداد آنحضرت صلی علیه و سلم فرمود که این شتر با تو روز قیامت خصومت
 خواهد کرد چون قصاص جانوران کام شود حق تعالی بفرماید که خاک شوید همه خاک شوند که فرمود که گاشکی
 هم خاک میشد پس حق تعالی نوح علیه السلام را طلب و بفرماید که پیام من بخلق رسانیدی گوید
 رسانیدم امت او را طلب کند و گوید که نوح پیام من بشمار رسانیده آنها انکار کنند همچنین از دیگر انبیاء

۴
 در سجده

و انشان سوال کند کافران بکشوند حق تعالی از انبیا شهود طلب کند گویند امت محمد صلی الله علیه و سلم
 شاید است امت محمد صلی الله علیه و سلم را طلب کند اینها شهادت دهند که انبیا راست میگویند و گفته
 که شما از چه انعتید گویند که پیغمبر کتابی از تو آورد و خبر داد که انبیا تبلیغ کردند حق تعالی بفرماید که راست
 گفتید و پیغمبر صلی الله علیه و سلم گوایی و بد بصدق است خود رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که سه عرض
 شود و ذر قیامت اول آنکه کفار جدال کنند یعنی انکار کنند از کفر و دوم حق تعالی بر آدم و دیگر انبیا
 علیهم السلام عذر تعذیب آنها ظاهر کند و حجت بر دشمنان قائم کند سوم آنکه نامه اعمال هر یک بدست
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم میفرماید که نامه اعمال همه زیر عرش بشوند حق تعالی بادی برگزید که نامه اعمال
 هر یک پریده بدست او افتد مومنان را در دست راست کافران را در دست چپ از پشت اول
 آن باشد **أَقْرَبُكَ مَا كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا** یعنی بخوان نامه اعمال خود
 کفایت میکند نفس تو بر تو حساب کننده و در حد آمده که خوشی است کسی که در نامه او استغفار بسیار
 و اعضای انسان بروی شهادت دهند بر اعمال او و مکانها و زمانها بروی شهادت دهند از زمان
 آدم علیه السلام را حکم شود که از اولاد خود برای دو رخ جدا کن گوید چه قدر حکم شود که از هر کس یکی
 بهشت و نه صد و نود و نه بدو رخ و میزان قائم کند حق تعالی تا نیکی و بدی مردمان را در آن بچسبد
 میزان انسان با آنچه در دست میگیرند و دو پله باشد تقسیم کند که اگر آسمانها زمینها در آن سنجیده شود
 گنجایش دارد صاحب میزان جبرئیل علیه السلام شاید کافران و میزان مطلقا وزن نباشد
يَخْتَصِمُ أَعْمَالُهُمْ در حق شان است در صحیحین از ابی هریره مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 آنکه آورده شود مروی فربه و تازه و او را بقدر پر پشه وزن نباشد و این بیت خواند **لَا يُقِيمُ لَهُمْ**
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا و حدیثی دیگر آمده که جزای حسنات کفار در دنیا داده شود و برای آخرت
 او هیچ حسنه باقی نماند و مومنان را حسنات در یک پله تر از زونا داده شود و سیات در پله و دهم
 اگر سیات از حسنات زیاده باشد اگر حق تعالی خواهد بخشید و اگر خواهد عذاب کند و اگر از سیات
 یکی حسنه هم زیاده شود آن حسنه را حق تعالی فراخ کند و او را بهشت برتر از دویست و بیست و هفتی از آن

ملک و دو پشه
 سیات و سیات
 به یک پله
 برای خواندن
 از قیامت
 وزن دارد

روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون آن آدم سجده شود اگر میزان او ثقیل شود
فرشته ندا کند همه خلق شنوند این شخص نیک نخت شد بد نخت هرگز نخواهد شد و اگر میزان او
سبک شود بگوید که این کس بد نخت شد هرگز نیک نخت نخواهد شد در احادیث آمده **سُبْحَانَ اللَّهِ**
نُصْرَةَ مِيزَانٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ پری میزان است و **كَأَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** مراجع ترست از جمیع خدائیک
وَاللَّهُ أَكْبَرُ همچنین در وصاح کسبی می رود و در رسول صلی الله علیه وسلم فرستد و دیگر حجت
موجب ثقل میزان اند و ذهبی از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که سید
علما با خون شهیدان در قیامت وزن کرده خواهد شد سیاهی علمای خون شهیدان افضل باشد و احیاء
و ابراهیم نخعی مرویست که مردی را در قیامت در میزان سنات کم دیده شود ناگاه مثل ابراهیم را
آیند گفته شود این چیست گفته شود که این آنست که مردم را علم آموخته و این چیز از و جاری نمانده
و از ابی الدرداء مرویست که هر که اجمعت شکم و فرج باشد میزان او ناقص باشد و چون دم
بمختر جمع شوند و کفار از زمین متنازع کنند و دوزخ محیط محشر باشد گردنی از آتش دوزخ برآید
خزانه دوزخ او را بکشند و بگوید قسم بغیرت پروردگار من بگزارد مرا با ازواج من گویند ازواج کیستند
گوید هر شکبه جباران این بر چند آنها را چنانچه مرغ دانه می چندند و در شکم خود کند و باز چنین کند و گویند
بگزارد مرا با ازواج من بگویند کیستند ازواج او گویند **كُلُّ خَنَاءٍ كَفُورٍ** یعنی عهده شکن ناسپاس
آنها را چنین دوزخ کند و باز مرتبه سوخته همچنین کند و گویند بگزارد مرا با ازواج من گویند آنها کیستند
گوید **كُلُّ خَنَاءٍ فَحْشٍ** یعنی محب خود پسند فخر کننده و در حدیث آمده که گردنی از آتش برآید که
آزاد چشم باشد و زبانی فصیح و بگوید که من بکرده شده ام برای کسی که با الله عبود و دیگر گردد
و بر جبار عداوت کند و ناحق و کبسی که قتل کرده باشد نفسی را بغیر نفس پس آنها را بر حد پیش از
و گیر آدمیان بپا نهد سال و این مرجان در ارشاد گفته که چون آدم را حکم شود بفرستادن آدمیان
بدوزخ هفت قسم از دوزخیان باشند دو قسم را گردنی از دوزخ برآید و چنینند چنانچه گویند
می چندند اول آنسان باشند که کافر باشند بخدا از راه کبر و انکار و دم تقسم باشند که کافر باشند

بخدا از راه جمل و غفلت پستتر گفته شود که هر کس که با خدا بگیرد پستترش که دست با سجد و خود شود آفتاب نشانی
 پیروی آفتاب آتش پرستان پیروی آتش و بت پرستان پیروی بتان کنند و آنها با سجد و
 خود داخل دوزخ گردند و گویند که کان هوکاء الهة مما وددوه که یعنی اگر اینها معبود حق بودند
 داخل دوزخ نشدی پستتر جماعه چهارم آن باشند که خدا را یکی میدانند و انبیاء را تکذیب میکنند
 در صفات الهی براه جمل نیستند خیاخیه کفار یونان پستتر قسم خامس و سادسین بود و نصاری با
 در محشر نشنید باشند گفته شود چه حال دارند گویند شنیدیم ما را آب هدیه گفته شود بروید
 و اشاره کرده شود بدوزخ و دوزخ بصورت سراب آنها را بنظر آید در آن افتند و بر آبی آید
 که چون عابدان پیروی معبودان کنند یک شسته بصورت عیسی برای نصاری و یک شسته
 نصاری برای یهود ظاهر شود و آنها پیروی او کنند و آنها را بدوزخ رسانند فقیر گویند ظاهر از یهود و
 نصاری کسی که پستتر عیسی غریز کرده در فرقه رابعه داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی غریز را
 رسول دانستند و پستتر آنها کردند و بسبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه و سلم کافر شدند آنها
 در فرقه خامسه و سادسه داخل دوزخ شوند چون باقی نمانند مگر مومنان در میان شان منافقان باشند
 حق تعالی ظهور کند و بفرااید مردم پیروی معبودان خود کردند شما هم پیروی معبود خود کنید آنها گویند
 و الله که ماسوئله خدا دیگر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی گوید که من پروردگار شما ام گویند
 که منتظریم ما که حق تعالی را بعلما که می شناسیم بنیم از زمان حق تعالی تجلی کند نهجی که از ان تعبیر فرمود
 یوم یكشف عن ساقی ویدعون الی السجود و حکم کرده شود سجد و مومنان منخلط سجد و در دوزخ
 و منافقان را پشته ها مثل شاخ های گاو سخت شوند و بر پشت افتند و سجد نتوانند کرد در دوزخ
 انداخته شوند پس مسلمانان سوال کرده شوند و حساب کرده شود و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده
 اول سوال کرده شود از خونریزها مقتول گوید یا رب این پرس که مرا چرکشته حق تعالی سپرد
 حال آنکه او داناترست غازی فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را که عزت مرا باشد حق تعالی فرمود
 راست گفتی و روی او را حق تعالی مثل آفتاب کند و درشتگان مشایعت او کنند و بهشت را

در کتب کلامیه
 از ساقی و خواننده
 سنجیده بسبب
 سجد

دیگر قاتل گویشتم اورا تا که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید ملاک شدی تو فرستاده شود بدوزخ پست در
دیگر نظام حکم بعوض کرده شود تا آنکه کسی که در شیر آب انداخته فروخته است تکلیف داده شود که شیر از
آب جدا کن سوال کرده شوند مردم از صحت بدن سمع و بصر و دیگر نعمتها که کجا صرف کردید سوال کرده شود
از علم که بران عمل کردند یا نه و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم علم را پوشیده نداری خیانت در علم سخت ترست
از خیانت در مال حق تعالی از ان سوال خواهد کرد و فرموده که مرد از جاه و مرتبه سوال کرده خواهد شد چنانچه از مال سوال
کرده خواهد شد و از ان فراج و از اموال و امالیک و چون سوال کرده خواهد شد از اعمال اول از نماز سوال کرده خواهد شد
و نماز را درین کرده خواهد شد نماز را عند الله وزن است اگر در آن نقصان بخشد بود فرائض را بنوافل چه نقصان
کرده خواهد شد پست در زکات پست و دیگر اعمال در حدیث آمده اهل در نماز نظر کرده خواهد شد اگر نماز بدرجه قبول
در دیگر اعمال نظر کرده شود هر که امامت کند قومی را باید که از خدا ترسد و بداند که اوصاف است اگر بخون آلود
اورا ثواب باشد مثل ثواب بیعت یان هر چه نقصان کند برگردن وی باشد و از سه چیز سوال نکرده خواهد شد
از بار چه که بدان ستود عورت کند و از بار چه نان که گرسنگی دفع کند و خانه بقدریکه از گریه سگری پناه
و سوال کرده خواهد شد از آنکه با که دوستی کردی و با که نکرودی و با که دشمنی کردی و با که نکردی حق تعالی
خواهد فرمود هر که با دشمنان من دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند او را رحمت من نرسد از پادشاهان
و قاضیان و حاکمان سرداران سوال کرده خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت از زنان که دل
و اولاد شوهر چه کرده و از بنده که در مال سید چه کرده و چون بنده از گناه توبه کند حق تعالی
فرشتگان را از ان گناه فراموشی دهد همچنین جوارح او را و زمین را و غیره شهادت دهند گان را
فراموش سازد و اگر مسکین را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری در پا او خلد او را موجب اجر داند و صبر
کند آن مصیبت عوض گناهان شود و از چه گناه در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب وزن اعمال
اگر از حقوق الله چیزی برده او باقی ماند حق تعالی اگر خواهد عذاب کند و اگر خواهد بخشند و سیرت
احمد از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی بنده مسلمان را روز قیامت
از خود نزدیک کند و بگوید نامه اعمال خود بخوان چون حسن آید آن مرد خوش شود حق تعالی فرماید

۲
ما یک جمع
مکات فی خلا

و آنچه در حدیث ائمه ذر آمده که صغار ذنوب بروی عرض کرده شود و کبار پویشیده داشته شود
 سفینش آن باشد که عوض صغار ذنوب حسنات داده شود و اگر احیاناً بزرگتر از پنجاه کس
 کفیره صادر شود آنرا پویشیده دارد و بخشش و آنچه از حقوق عباد اگر بزرگ کسی باشد هرگز بخشیده
 بلکه حسنات مدیون بدائن ظالم مظلوم داندیده شود و اگر حسنات او تمام شود مدیون حقوق مدیون
 بروی باقی مانند سیات دائنان مظلومان بر مدیون و ظالم نهد و او را بدو زخ فرستاده شود
 رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نباشد که میری و دین کسی بر تو باشد و آخرت درم و دنیا را بشا
 در عوض دیون حسنات داده شود و یا سیات وی نهد و فرموده که اگر در او خدا گشته شود
 و باز زنده شود و باز گشته شود داخل بهشت نشود تا که ادای دین نکند و فرموده که نامه اعمال
 گناهان سه باشد یکی بابت شرک هرگز بخشیده نشود و دوم بابت حقوق الله حق تعالی و
 بخشیدن حق خود باک ندارد و سوم ظلم عباد و در آن قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفلس
 که نیاز در روز و غیره حسنات دارد یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفته و
 دیگر را خون بخته و دیگر پیرا زده است پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات
 هیچ نماند گناهان مظلومان بروی نهد و او را بدو زخ انداخته شود ولیکن اگر حق تعالی فضل فرماید
 خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دائنان رهایی داند رسول فرمود صلی الله علیه
 سلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او ادا کند و اگر
 در نیت او ادا نباشد قصاص حسنات و سیات کند و مهذا اگر دین بر او سرت بخود کرده باشد
 البته ما خود شود و اگر بنا بر ضرورت یا برای تقویت بر جاد یا برای تعفف و زکاح یا برای کفین
 مرده فقیر مسلمان مدیون شده باشد نیت او ادا و حق تعالی از وی ادا کند و اگر زیاده
 تفصل کند مظلومان را با غامات خوش کند تا که او را بخشند و او را با خود بهشت برند
فصل بعضی مسلمانان را حق تعالی بجزای حساب بهشت داخل کند و ایشان را از
 حساب معجز دارد و در صحیحین از ابن عباس مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم عرض کرده

بر من استهای انبیای سابق با بعضی از پیغمبران یکدم من است و با بعضی دود و با بعضی گشتی
 و با بعضی جماعتی است و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده و هر پنجین سواد کثیر دیدم گفته شد که این
 است تست با اینها هفتاد هزار کس باشند که بغیر حساب داخل بهشت شوند رسول فرمود صلی الله
 علیه و سلم آنها کسانیست که افسون نکنند و داغ نکنند و تظلم نکنند و بر خدا توکل کنند عکاشه
 رضی الله عنه گفت من هم از آنجا که باشم فرمود باشی مردی دیگر گفت من هم باشم فرمود
 عکاشه سبقت کرد و همچنین در صحیحین از ابی هریره در نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث
 ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که مرا وعده کرده است پروردگار من بهفتاد هزار
 از امت تو بغیر حساب داخل بهشت شوند و با هر هزار کس هفتاد هزار کس باشد و سه حیثیات از
 حیثیات پروردگار و حقی جزئی را گویند که در دو کف شخص آید و در حدیث ابی بکر صدیق نزد احمد
 و غیره آمده که بهفتاد هزار کس بغیر حساب داخل بهشت شوند و روی شان باشد ماه شب چهاردهم باشد پس
 زیاد و طلب کردم از خدا پس زیاد و کرد حق تعالی با هر کس از آن هفتاد هزار کس هفتاد هزار کس در حدیثی
 آمده کسانی که حمد خدا کنند در راحت و در غم داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شهادتی بی سبب
 داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیزان در حدیثی اهل فضل و اهل صبر و متحابان فی
 داخل شوند بغیر حساب اهل فضل کسانیست که کسی بر آنها ظلم کند صبر کنند و کسی با ایشان
 بدی کند ایشان بخشایند و کسی با ایشان چل کند ایشان چل نمایند و اهل صبر آنهاست
 که بطاعت خدا و از معصیت صبر کنند و متحابان فی الله آنهاست که برای خدا با همه دوستی کنند
 و بی علاقه و نیالعه ملاقات نمایند و در احادیث آمده هر که در رنج و مصیبت صبر کند و هر که
 در حج و عمره می رود و اهل عرفان و احسان طالبان علم دینی که فرمان بردار زوج باشد و دلش
 با و اله بین و کسی که از فقر جامه نکر ندارد و طعام و قسم نتواند خورد و شراب و قسم ندارد و
 دنیا رغبت ندارد و کسی که از خوف خدا بگریزد بغیر حساب داخل بهشت شوند و اصحابی از آن
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم چون میز آنها قائم شوند اهل نماز و اهل روزه

و اهل حج را ثواب داده شود و میز آنها و اهل بلا آورده شوند نه میزان برای شان نماده شود و نه
 و قرا اعمال برای آنها کشاوه شود و زحمت شود بر آنها ثواب بخیر حساب تا آنکه اهل عافیت بگویند
 آنکه بدنه های شان در دنیا بمقراضها بریده شد حق تعالی میفرماید **لَا تُكَايِدُوا فِي الْأَمْوَالِ الَّتِي آتَاكُمْ**
بِخَيْرِ حِسَابٍ یعنی جز این نیست که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بخیر حساب بپسرون
 کافران را حکم بدوزخ و مومنان را حکم بر رفتن بسوی بهشت شود مومنان را حق تعالی موافق اعمال
 شان نور دهد بعضی کسان را نور باشد مانند کوه و بعضی را مثل درخت خرم و کمترین نور کسی
 باشد که نور او در زیر گشت پای او باشد گاهی ظاهر شود و گاهی پوشیده و کافران منافقان
 نور نباشد قال الله تعالی **وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ** و در بعضی احادیث
 آمده که منافقان با هم نور باشد لیکن آن نور بر صراط منطفی شود و منافقان مومنان را بگویند که
 نظر کنید بجا ما هم از نور شمار و روشنی گیریم مومنان گویند **لَا تَجْعَلُوا دَعَاكُمْ كَمَا تَقْسِمُونَ** **أَنْتُمْ** یعنی
 باز گردید پس پشت خود جا نیکه حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده آنجا نور طلب کنید یا آنکه
 دنیا روید آنجا ایمان و اعمال صالحه کسب کنید که این نور از آن است آنگاه مومنان را دیواری
 مثل دیوار قلعه پیش آید در آن دیوار در باشد مومنان از آن در گذرند و منافقان بیرون
 باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بهشت و بیرون آن عذاب و دوزخ منافقان
 مومنان را آواز دهند آیا ما با شما نبودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما با ما بودید لیکن
 نفس خود را فرستاد یعنی کفر و مصیبت انداختید که عقائد فاسده و اعمال خبیثه اختیار نمود
 ظاهرا در آیات و احادیث که دلالت دارند بر نبودن نور منافقان را مراد از منافقان آنکس است
 که در باطن کفر دارند و بنا بر تقیه و استهزا کلمه شهادت میگویند آنها را نور نباشد که اصل نور ایمان
 است و ایمان بقلب تعلق دارد و در احادیث که دارد شده که منافقان را نور منطفی شود
 مراد از اصحاب توحید از فرقهای مبتدعه باشد و افاض و خوارج و معتزله و مانند شان که
 نور ایمان آنها از دو بدعت منطفی شود فائده رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نماز نور باشد

بر صراط و کسی که در تاریکیها بمساجد رود و نور تمام باشد روز قیامت و فرموده هر که سوره کهن
خواند روز جمعه او را از زیر قدم تا آسمان بلخ باشد روز قیامت و فرموده مردی صالح اگر در دنیا
کور شود او را نور باشد روز قیامت و فرموده هر که تیر انداخت در راه خدا او را نور باشد
روز قیامت و فرموده هر که گنبد در بازار را از هر سو نور باشد روز قیامت و فرموده هر که
سخنی از مسلمانان دور کند او را مشعل باشد از نور بر صراط که ازان روشنی پذیرد عالمی که احاطه
نکند آنها را اگر رب العزت و فرمود که پرنیز کنید از ظلم برستی که ظلم تاریکیها باشد روز قیامت
فصل چون محشر را دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت بر پشت دوزخ پل باشد
که آنرا صراط گویند باریکتر از مو و تیزتر از شمشیر و بر آن پل گلوها و خاها باشد کافران و منافقان
و دوزخ افتند و بر صراط عبور نتوانند کرد و مومنان ازان بگذرند بقدر اعمال خود بعضی مثل قی
و بعضی مثل بادبند و بعضی مثل اسب تیز رو و بعضی مثل شتر تیز رو و بعضی مثل پیاده جلد
و بعضی مثل پیاده سست قدم و بعضی بخوابی و وقت مجروح شده رنج کشیده نجات یابند و بعضی
گناهان خود در دوزخ افتند و حدیث آمده که هر که واسطه شود بسو یا شاه برای حاجت برای مسلمانان
حق تعالی او را در گذشتن بر صراط مدد فرماید و هر که بخوبی صدقه دهد بخوبی از صراط بگذرد و در حدیث آمده
که هر که مردم سبقت پیغمبر صلی الله علیه و سلم آموزد یکچشم زدن بر صراط و دیگر نکتہ و آرزو به بن نبیست
و او علیه السلام از حق تعالی پرسید که جلد رو تر بر صراط که باشد فرمود که سنانیکه از حکم من باطنی باشد
و زبان شان بندگتر باشد و این مبارک و این ابی الدنیا از سعید بن ابی ثانی روایت کرد که صراط
روز قیامت بر بعضی مردم باریکتر از مو باشد و بر بعضی مثل دایه بین تر حق تعالی میفرماید
وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِلَّا وَاِرِدْ هَٰكُنَّ عَلَىٰ رَيْكَ حَتَّىٰ مَقْضِيَّاهُ ثُمَّ يُنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَكَانُوا
الظَّالِمِينَ فِيهَا جَنَّتِيَّاهُ یعنی نباشد از شما کسی مگر وارد شود و دوزخ را هست این امر بر پروردگار تو
لازم حکم کرده شده بستر نجات و همیستقیان و بگذاریم ظالمان را و ازان برزوا افتاده مراد از دوزخ چشم
همین گذشتن است بر صراط که بر پشت دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل هشت شوند بگویند ای پر

کتاب آرد
آیندگان که بدان
آیند که میگردد

که از شهادت هر چند گناه آن آفریده شوند که السیف محی الذنوب آمده اما حقوق العباد آفریده نشود
و این مسعود رضی الله عنه گفته که هر کس را که حسنات او از سیات بیک حسنه بفرزاید داخل بهشت شود
و هر که سیات او از حسنات بیک شیئ فرزند داخل دوزخ شود و هر که حسنات و سیات او برابر باشد
آنها بر صراط مجوس باشند آنها اهل اعراف اند نور مومنان و مومنان را به بهشت رساند و نور مومنان
منطقی شود و اصحاب اعراف را نور منطقی نشود لهذا طمع دخول جنت دارند و آخر کار داخل جنت شوند
غرض که اعراف را منزله بین المزیلین نباید دانست چنانچه بعضی اهل ابواء گفته اند چرا که در اعراض خود
فصل شفاعت اگر م الرسل صلی الله علیه و سلم و دیگر انبیاء و صدیقان و شهدا و اولیا و علما و صالحان
طفالان که صغیر مرده باشند و شفاعت اعمال صالحه از تلاوت قرآن و نماز و روزه و صدقه و مانند آن
حق است هر که احق تعالی اذن کند و هر وقت که اذن شود شفاعت کنند و شفاعت شان قبول شود
بعضی کسان را در قبر شفاعت در رسد رسول صلی الله علیه و سلم سوره ملک را گفته هی المانع هی
المنجیه من عذاب الله و بعضی را در عرصات رسد مستحق دوزخ داخل دوزخ نشود
و بعضی بعد دخول دوزخ بشفاعت از انجا رهایی یابند و بعضی از بهشت بشفاعت درجات عالی
میدرسند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی مرا اختیار داده در میان آنکه نصف امت من
و برادری دو ثلث امت من بغیر حساب و عذاب داخل بهشت شوند و در میان شفاعت برای امت خود
شفاعت اختیار کردم و آن برای هر مسلمان باشد درین باب حدیث بسیار مذکور و رسول صلی الله
علیه و سلم که شفاعت من باشد برای کسانی که گناه کبیره کرده باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم
خوب فرمودم من برای بدان امانت خود مردم گفته چگونه یا رسول الله فرمود بدان بشفاعت من در
بهشت روند و نیکیان با اعمال خود روند و فرمود که شفاعت کرده باشم کرده باشم تا آنکه گویم که ای
پروردگار شفاعت من قبول کن در حق هر کس که لا اله الا الله گفته حق تعالی فرماید قسم بحدیث
و جلال من که هیچ کس را در دوزخ نگذارم که لا اله الا الله گفته باشد و فرمود علیه السلام که هر که از آن
تستفید گوید الله و رب هذه الدعوة الثامنة تا آخر او شفاعت من باشد

و فرموده هر که ثابت باشد بر سخی مدینه و آنجا باشد برای او شهادت و شفیع باشم
 و فرموده هر که در مدینه یا مکه بمیرد او را شفاعت کنم و فرموده هر که برای زیارت
 من آید واجب باشد بر من شفاعت او و در روایتی آمده هر که زیارت قبر من کند واجب باشد
 بر من شفاعت او و فرموده بسیار در دو بفرستید بر من بروز جمعه و شب جمعه هر که چنین کند او را
 شهادت باشم و شفیع و فرموده هر که ده بار صبح و ده بار شام بر من درود فرستد او را شفاعت من رسد
 و فرموده بهترین کسان برای شفاعت من روز قیامت کسی باشد که در دو بر من بسیار فرستاده باشد
 و فرموده هر که بعد نماز این دعا خواند **اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَاجْعَلْهُ فِي الْمُصْطَفِينَ**
حَبَّتَهُ وَفِي الْعَالِينَ حَرَّتَهُ وَفِي الْمَقَرَّاتِ حَارَّةً واجب شود او را شفاعت محمد صلی الله
 علیه و سلم و فرمود که دو صنف باشند که آنها را شفاعت من نرسد روز قیامت یکی مرجیه او دم قدر
 مرجیه آن باشند که یقین کنند بمغفرت و بگویند که مسلمان را هیچ گناه ضرر نکند چنانچه کافر را هیچ حسنه
 فائده نکند و قدریه منکر شفاعت اند و میگویند که صاحب کبیره بدون تو به عجله فی النار باشد و فرمود
 که دو مرد را شفاعت من نباشد یکی پادشاه ظالم دوم آنکه در دین از شرع تجاوز کند و براید یعنی اهل اهل
 شل روانض و خواجه و مانند آنها و فرمود که جدال بگزاید جدال کننده را شفاعت من نرسد یعنی آنچه
 خدا و رسول بفرماید آنرا قبول باید کرد و در آن جدال نباید کرد و فرمود اول شفاعت کننده و شفاعت
 قبول کرده شده من باشم و فرمود اول شفاعت انبیا باشد پسر شفاعت صدیقان پسر شفاعت
 و بر وایتی اول شفاعت انبیا پسر شفاعت علما پسر شفاعت شهدا پسر شفاعت مؤذنان و فرمود عالم
 و عابد حاضر شوند عابد را گفته شود که داخل بهشت شود و عالم را گفته شود که بایست تا شفاعت کنی
 از این عمر مردیست که گفته شود عالم را که شفاعت کن در شاگردان خود اگر چه عدد ستارگان باشند و
 فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که شهید شفاعت کند در بهشت و کس از اهل بیت خود و فرمود که حاجی که در
 چهار صد کس از اهل بیت خود شفاعت کند و فرمود که مردی شفاعت کند برای یکم و مردی برای دویست
 نیکس روز قیامت و مردی باشد که شفاعت او زیاده از بنی تمیم و مثل ربهیع و مضر داخل بهشت

این دعا را بعد از نماز
 سه بار در روز
 گویند و بایست که او را
 در میان خانه او
 بخواند و بگوید
 "یا محمد بن عبد الله
 صلوات الله علیه
 و آله و سلم
 و اهل بیته
 السلام"

و فرموده که مردی از اهل جنت مشرف شود بر دوزخیان مردی از اهل دوزخ گوید ای فلان چه مرا شهادت
 گویدی گوید که من آنکس هستم که تو از من آب خواستی من ترا آب خورانیدم مرا شفاعت کن آن مرد از خدا سوال
 کند او از آتش برآید مردی مردی را گوید من ترا آب خور داده بودم مردی دوزخی مردی ششی را
 گوید یا داری که تو مرا برای کار نمی ستادی من ترا گاو و گاو تو کردم او شفاعت کند و رسول فرمود
 صلی الله علیه و سلم در تفسیر قوله لَقَدْ قَبُولُكُمْ عَنْ يَدِهِمْ وَفِيْهِمْ رُحْمٌ مِنْ فَضْلِهِ مراد از
 یریدیم من فضله شفاعت است برای دوزخیان کسانی که با ایشان در دنیا نیکی کرده بودند و فرمود
 که حافظ قرآن را که حلال را حلال داند و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند و هر کس
 که آتش برای شان واجب باشد و فرمود طفلان مسلمین زیر عرش شفاعت کنند و شفاعت شان
 قبول شود و در حدیثی آمده هر کس آن سه چیز کرده باشد بر دوزخ بهشت استاده باشند آنها را گفته
 که در بهشت بروید گویند چگونه رویم پدر و مادر ما داخل نشده اند در مرتبه دوم یا سوم گفته شود
 شما پدر و مادر شما و فرمود که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این را از خوردن و شرب
 باز داشته بودم شفاعت من قبول کن قرآن گوید که من این را از حفظ باز داشته بودم و حج را
 روز قیامت لب و زبان باشد شهادت دهد برای کسی که بوسه داده بر او رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 لعنت گویندگان روز قیامت شاید و شفیع نباشند اگر کسی گوید که چون از شفاعت رسول
 صلی الله علیه و سلم است او از آتش بیرون شدند بشفاعت دیگران چه حاجت باشد گفته شود که شفاعت
 دیگران از علما و صلحا و غیرهم داخل شفاعت آنحضرت است که بدولت متابعت آنحضرت مرتبه شفاعت
 یافتند حق تعالی برای اظهار شرف آنها آنها را مرتبه شفاعت داده و در صحیحین در حدیثی طویل از ابی سعید
 مروی است که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود چون مومن از آتش برآی یابند و از صراط بگذرند در جناب
 برای برادران خود که در دوزخ باشند از شفاعت مبالغه برارند و گویند ای پروردگار اینها با ما نماز
 روزه و حج میکردند حکم شود که برآید هر کس را بشناسید حق تعالی آتش بر صورت های مسلمانان حرام کند
 صورت های شان بحال باشد پس برآید خلقی کثیر را و گویند یا رب حالا از آنها کسی نمانده که امر کردی حکم

اینجا تمام حدیث است
 در بیان دوزخ و آتش
 و بیان ایشان را از فضل خود

که باز برود و هر که در دل او بقدر دنیا را بیان باشد و برابرید پس بیرون آرند خلقی کثیر را باز حکم شود که برود
و برابرید کسی را که در دل او مثل مورچه را بیان باشد پس براند خلقی کثیر را از دگر بپایارب حال آنکه اشتیم در دو سو
هیچ چیز پس حق تعالی بفرماید که فرشتگان شفاعت کردند انبیا شفاعت کردند مسلمانان شفاعت کردند
و باقی مانند گمراهی را حین فی قبض قبضه من الشکاک یعنی حق تعالی یک قبضه از دوزخ بگیرد
پس برادر قومی را که گاهی هیچ عمل نیک نکرده است مثل انگشت شده است پس میندازد حق تعالی آنها را در
نهری بر روی هشت آنرا نجات گویند پس ایند چنانچه دانه می روید در سیل پس برانند مثل دانه در آید
در گردنهای شان مهربا باشند این هشت گویند که اینها آزاد کرده خدا اند و باقی ماند یک در میان دوزخ و
بهشت زوی او بسوی دوزخ باشد سوال کند از خدا که روی من از دوزخ بگردان حق تعالی فرماید که چیر
دیگر سوال نکنی او عهد کند که نکند حق تعالی روی او بسوی بهشت کند و باز گی جنت بنید مدتی خاموش ماند
باز گوید که مرا نزدیک دروازه بهشت کن حق تعالی فرماید که تو عهد کرده بودی که دیگر سوال نکنم باز از او عهد
که دیگر سوال نکنم و بر دروازه بهشت بر مدتی آنجا خاموش باشد باز سوال کند دخول بهشت را حق تعالی فرماید
عهد کرده بودی که سوال نکنم او گوید آئی مرا بهشت ترین خلق مکن و کار کرده باشد تا که حق تعالی بخندد و او را به
و بفرماید که آرزو کن از نزدیک تا که منقطع شود آرزو او حکم شود که آنچه آرزو کرد می تر با باشد و ده چند زیاده از
فصل رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که رحمت راح حق تعالی صد حصه کرده یک حصه در جمیع خلایق تقسیم کرده
و نود و نه حصه نزد خود داشته که روز قیامت دوستان خود را خواهد کرد و فرمود که قسم بخدا آنقدر رحمت خواهد
که ابلیس اسید و ارشود و بیشتر رحمت او تعالی قاریان قرآن علماء را باشد حق تعالی میفرماید **ثُمَّ أَفْرَأْتُمْ**
الْكِتَابَ الَّذِي نَزَّلْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَنَزَّلْنَاهُمْ ظِلًّا لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مَقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ
سَائِرٌ بِالْأَحْكَامِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا
یعنی بعد انبیا بی سابق و ارث کتاب کردیم کسانی را که برگزیدیم از بندگان خود پس بغضی از آنها ظالم باشند
بر نفس خود بگنایان بعضی از آنها میانه رو باشند و بعضی از آنها سبقت کنند باشند بیکبها با و از خدا
همین است فضل بزرگ شتهانی مشک را داخل شوند که نمره داران جاری باشند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم

در هر کس که
سبب نیکو
و بدی است
نزد خدا
در هر کس که
باز باشد
در نظر انصاف
در تقصیر است
از خود انداز
توبه نیست و
نظایب با و
مخلوقین فیضا
من اسرار
حق و ذهاب
و توفیق او
لباس هم فیه
حرام

لحمه سبب است
خدای را که مردان
اندوه را پیش
بود و کار با برآید
عشده و قدرش است

سابقان داخل بهشت شوند بغير حساب و ميزان روان حساب سیر شود و ظالمان در طول عمر مجبور باشند به ستر حجت
آنها را تلافی کند بگویند **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي آذَهِبَ عَنَّا كُرْهَنَا** این دینا کافری و شکوهی
و فرمود که حق تعالی علما را فرماید که من علم خود در شما نداده بودم مگر آنکه اراده مغفرت میدادم برای شما بر هر چه از شما آید و با
فائده بهترین مسلمانان نزد خداست و فرقی اندر شما که جان خود را در راه خدا بذل کردند و دوم علما که عقل
و حواس خود را در راه خدا بذل کردند سوم اسخیا که مال خود را در راه خدا بذل کردند لیکن اخلاص شرط است
که نیت خالصانه باشد و اگر نه اول بدو نرخ روند مسلم از ارباب بریره روایت کرد که رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم اول کسی که حکم کند بروی حق تعالی شهید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بتو دادم تو
چه عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم ترا جری و شجاع گویند
پس گفته شد حکم شود که او را کشیده بدو نرخ اندازند دوم عالم که حق تعالی نعمتها باو داده پس بد که چه
عمل کردی گوید که برای تو علم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که دروغ
گفتی بلکه تعلیم و تعلم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شد حکم شود بدو نرخ انداخته شود سوم
مردی که او را حق تعالی مال داده او هر نصف مال مردم بخشیده چون نعمتها خدا باو داده از او پرسید
چه عمل کردی گوید که در راه تو مال هر نصف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی نمیدادی مردم
مگر تا که ترا جواد گویند و گفته شد حکم شود بدو نرخ انداخته شود پس در هر عمل نیت خالصه است
شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه وسلم **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ** عمل معتبر نیست مگر به نیت
فصل الإيمان بين الحق والرجاء ابو نعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل وحی شد که طاعت کنندگان مرا ایگو که بر عمل خود تکیه کنند اگر
بنده را حساب کنم و خواهم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمی توان برآمد بگویند که اگر
که از رحمت خدا ناامید نشوند که من گناهمان کبیره را نمی بخشم و باک ندارم و بطرانی باز و الله بن اسحق روایت کرد
که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که روز قیامت بنده باشد که هیچ گناه نکرده حق تعالی از او گوید چه خواهد
اگر خواهی حساب اعمال ترا جزا دهم و اگر خواهی بفضل خود او گوید آلهی تو داناتر می من گناهی نکرده ام نگاهم

ع ایمان و رجاء
چرا حساب است

که نعمتی را از نعمتهای سن مقابل عمل او کنید و فی نعمت از نعمتهای خدا بجهت اعمال او را فرایند نگاه آن بنده گوید
 الکی بفضل و رحمت خود را بخش و بزار از انس رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود
 و فائز است اندکی فقر حسنت و دوم فقر سیات سوم فقر نعمتهای خدا اگر خدا حکم کند و فی نعمت بنده
 دگر دو گناهان باقی مانده و اگر فضل فرماید گناهان را و نعمتهای را بخشد و حسنت را مضاعف کند

باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار لغو و باطل منها

طبرانی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبریل نزد آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمد و متغیر الله
 آنحضرت پرسید که چه حال است گفتم نیامده ام نزد تو مگر بعد آنکه حکم فرمود حق تعالی بجلید باطنی من یعنی منم
 دیده آمده ام فرمود و صف کن برای من آتش را گفتم حق تعالی امر کرد تا آتش هزار سال افروختند تا
 سفید شد پستری از سال دیگر افروختند تا که سرخ شد پستری از سال دیگر افروختند تا که سیاه شد پس
 آن سیاه و تاریک است روشن نیست شر آن و کم نمیشود و سوزش آن قسم کسی که ترا فرستاده
 بحق که اگر سوراخی شود از دوزخ بقدر سوزن اهل زمین بهمه میرند از گرمی آن اگر فرشتگان عذاب در آن
 ظاهر شود کسی از آنها بسوی دنیا و اهل زمین و را بهینند بهمه میرند از زشتی روی او و بد بوی او و اگر یک
 از زنجیر دوزخیان که در قرآن مذکور شده نماده شود بر کوهمسا دنیا بر آینه فرو رود تا زمین سفلی هرگاه حق
 دوزخ را پسند کرده دلهای ملائکه از دشت آن پریند چون آدم علیه السلام مخلوق شد و لهای
 قرار گرفت و در تحقیق است که آنحضرت فرمود که هر چند در دوزخ خلق انداخته شود دوزخ هرگز
 گوید تا که رب العزت در آن قدم نهد آن زمان بعضی از ان بسوی بعضی پیچد و گوید پس دوزخ در
 سفلی است یعنی زیر زمین و بهشت بالای آسمان هفتم از و هب بن منبه مرویست که چون قیامت
 قائم شود خلق که پوشش سقر است از سقر دور شود و از آن آتشی براید و دریا که جسم مطبق است
 و حاجز است میان جهنم و هفت طبق زمین و چشم زدن افروخته کنند همانست محسوس
 فصل جهنم را هفت در که است و هفت در است یکی بالای دیگری و بر آهر و جماعتی است که

ع
 تا به جهنم
 نمانده است

اول شان چشم است و در آن عذاب کبر است بزرگ انگاران این است پست تر از آن نظمی از آن پست سحر
از آن پست حکم زیر آن سقر زیر آن جحیم پست تر از ویه منافقان و سرور که اسفل باشد از دوزخ مسلمانان
را باید که همیشه از دوزخ بحق سبحانه پناه جویند از مجاهد و پست که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند
و دوزخ با هم چه گفته شود که چه حال است و دوزخ گوید که این مرد از من بتو پناه میجست حکم شود که این را
بگذارند بهستی روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم نمیخفت تا که تبارک و حشر سجده
نمی خواند و فرمود که حشر تا هفت اند و درای جحیم هم هفت اند حشر سجده از آن روز قیامت
بر روی از درای جحیم بایستد و بگوید که آلتی داخل نشود ازین در که یکم یا من ایمان شست و مرا می خواند
فصل موکلان جحیم نوزده فرشته اند مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جحیم مخلوق شدند
و هر روز قوت شان زیاده میشود و هر یک از آن آنگاه هست که در میان دو شانه و صد ساله راست
در دلهای شان رحمت مخلوق نشده و با هر یک از آن گزشت و مالک را انگشتانست بعد و همه دوزخیان
کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت خود عذاب نمیکند و قوی گفته نوزده مرد دارند و موکلان
جحیم شصت و دو میل و اوست و جحیم عمیق که کافر در وی تا چهل سال فرو میرود پیش از آنکه در قعر او رسد و در وی
که در وی دم دوزخیان جاریست و صعود و کوبید و جحیم در میفتاد سان جحیمی با آنها آن رسد و باز از آنجا
فرو افتد همچنین تا ابد باشد و در روایتی آمده که صعود و کوبید که اگر مردی است رسد گدازشود و چون دست بردارد
باز دست درست بشود و همچنان فرو رود صلی الله علیه و سلم که اگر سنگی بوزن ده ورم از لب جحیم انداخته شود
تا هفتاد سال پایین او رسد و در نهایت آن غمیست و انعام و آن هر دو نمراند از ریم دوزخیان و موبق
وادی عمیق است روز قیامت فاصل باشد در میان مسلمین و کفار از اهل دوزخ در صحیحین است که دوزخ شکایت
کرده بتبوی پروردگار خود و گفت که از شدت حر بعضی اجزای من بعضی را خورده حکم شده او را بدو دم
دمی بسردی که از سوزی او در دنیا سر می شود و دمی بگری که از گرمی او در دنیا گرما می شود
فصل کافران را پارچه از آتش باشد و نیز پیرهنها از مس که داخته شده شدید الحرارة و سبب بنهنگی
اهل دوزخ را پوشاک باشد و برنگی برای شان بهتر است از پوشاک حیات باشد و موت برای شان بهتر است

باب مقدار کشتن
در دوزخ

انجیات و برآی دوزخیان من بشد و لحافها از آتش دوزخیان در زنجیر باشند که بفتند و گز طول آن زنجیر باشد
برگز از این مفتاح و پنج سیر باغ مقدار را بین که و کوفه اگر تمام آهن دنیا جمع کرده شود و بیک حلقه زنجیر دوزخیان شد
آن زنجیر را از دوزخ انداخته داخل کرده و از دهن برآورده بر کوه پیچیده شود و جسم بالای سر کافر ریخته شود پس بر شکم
و فروریزد و آنچه در شکم باشد در قدش باز بچکان درست شود و باز جیمیم است شود و طعام دوزخیان قوم
باشد اگر قطره اذان در دریا افتد زندگانی اهل دنیا فاسد کند ز قوم درختی باشد از شدت گر سنگی آدمی
از وی بزدان گیر و آن درخت از آدمی همان قدر گیرده گیرد و نیز طعام دوزخی ضریع باشد رسول فرمود صلی
علیه و سلم ضریع چیست در دوزخ مشبه خار تلخ تر از صبر و بدتر از حیفه و گرم تر از آتش و قمتیکه بخورد
صاحب او نه در شکم فرورد و نه از دهن برآید و گویا باشد نه فریاد کند و نه گر سنگی و در سازد و نیز طعام دوزخیان
غسلین باشد یعنی ریم دوزخیان و شراب شان جیمیم باشد یعنی آب در غایت گرمی و خساق یعنی آب سرد
موقوفی و غایت سردی و در حدیث آمده که اگر یک دلو خساق در دنیا افتد تمام دنیا بدو شود و از آب
مروست که خساق چشمه ایست در دوزخ که در آن زهرهای تمام جانوران زهروار باشد ایشان را
در آن غوطه داده شود گوشت و پوست از استخوان جدا شده در پای افتد و آفرایشل پاره پاره بشد و ترندی
از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم گر سنگی بر کافر غالب کرده شود و محدی که
برای همه غذا بها باشد پس فریاد کنند و طعام خواهند طعام داده شود که در گلوبسته شود پس با و کنند که دنیا
از آب طعام را از گلوبه فرومی بردند و زیاده کنند و آب خواهند پس جیمیم بگلوبه های آهنی زرد و ماهی شان کرده شود
از گرمی آب روی شان بریان شود چون در شکم داخل شود آنچه در شکم از امحاست قطع کند آنگاه خازنان
دوزخ را گویند و عاکنید از پروردگار که کی و از ما عذاب کم کن خازنان گویند که رسولان نزد شما نیامده بودند
گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید و نیست دعای کافران مگر در راهی یعنی ناقبول است مالک
گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی ما را ببرد مالک بعد از اسالی جواب بده که شما همیشه در عذاب باشید
آنگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بختی ما غالب شد و ما قومی غمراه بودیم ما را از دوزخ برار اگر
باز کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب بده ای خستنی ما را نکش و ای کاشکی یعنی دور شوید در دوزخ و سخن گویند آنگاه

کتاب آتشی که بر سر
آیند آدم بگرسند

در زیر و حسرت باشند در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنوند و در روایتی آمده اهل دوزخ را
 پنج دعا باشد اول گویند ای پروردگار مرده کردی ما را و بار و زنده کردی ما را و بار اقرار کردیم بگناهای
 خود آیا ما را باشد راهی بسوی برآمدن از دوزخ جواب و بد حق تعالی این عذاب از انست که چون مرد
 توحید میکردند شما اعتقاد بشکر میکردید و شرک میکردید پس حکم مرخدا راست نه دیگری را باز ندا
 کنند آئین ما دیدیم و شنیدیم ما را باز بد دنیا بفرست تا عمل کنیم بیکو جواب یا بنده چشید این عذاب را
 شما فراموش کرده بودید این روز را ما شما را فراموش کردیم چشید عذاب را بهیشتنه سبب اعمال خود باز
 گویند ای پروردگار فرصت ده ما را تا از ما قریب یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیری کنیم رسولان را
 جواب دهد خدا آیا نبودید شما که قسم بخوردید که شمار زوال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ باز
 عمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر نداده بودیم شمار در دنیا تقدیر کردیم دیگران در آن عمرند
 پذیرفتند و آمدند نزد شما رسولان ترساننده از عذاب خدا این چشید عذاب طلبان را کسی مددگار نیست
 باز گویند ای پروردگار ما را بختی غالب شد و بودیم گمراه ای پروردگار ما را برابر پس اگر باز کفر کنیم ظالم
 باشیم آنگاه جواب او شوند اَحْسَنُ اَفْئِنَّا وَكَانَ نَكْمَتُنَا وَكَانَ اَوَّلُ نَجْمٍ سَجَّحْنِ نَكْمَتُ رَسُولٍ فَرَمَوْهُ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ
 وَسَلَّمَ که در دوزخ ما را باشند مانند گردنهای شتر بختی و کژ و مهاباشد خرد ترشان مثل خمر گاه میش
 رنج او تا چهل سال باقی ماند در روایتی آمده که نیش کژ و مهاباشد درخت طویل از خرما باشد مسلم از ابی
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله که بدن کافر از تقدیر فراخ کرده شود که دندان او مثل کوه احد باشد
 و پیری پوست او مسافت سه مرحله راه و بر روایتی آمده که مقعد او از مکة تا مدینه و در حدیثی آمده که تان
 نرمه گوش تا دوش کافر هفتصد ساله راه باشد آتش بدن کافر را خور و تا که رسد بر دل او باز بندش
 و دست شود باز همچنان کند تا ابد معاذ رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر سوخت شود
 و باز درست گردد و عمر رضی الله عنه گفته همچنین از رسول صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم و بر روایتی در ساعت
 صد و بیست و بار تبدیل جلد شود و بر روایتی شش هزار بار و از حسن بصری مرویست که در روز
 هفتاد هزار بار و جمیع روایات بتحد و اشتخاص کفار میتوان کرد و نیز چون در ساعتی شش هزار بار باشد

غنی باشد که
 چو دعا اهل دوزخ
 رسد است

در روز که دوازده ساعت باشد هفتاد و دو هزار میشود باستقامت کسر جمع این دور وایت میشود
 و از خدیفه مرویست که در جنم درندگان و سگان و گاوها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را بدان
 کلاسیب قطع کنند و از آن شمشیر و عضو عضو جدا کرده پیش سباع و سگان بیندازند و هر بار که عضوی
 را برین بجای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده که آتش روی کفار را آتشیان کند که لب بالا
 کشیده شود تا نیم سر رسد و لب پایین و هشت تا نایف رسد این عباس بن مقفیر قوله تعالی **فَلْيَحْضَرُوا**
فَلْيَلَاؤُكُمُ الْكَلْبُ میفرماید که دنیا قلیل است در دنیا هر قدر خواهی بخند چون دنیا منقطع شود
 گریه شان منقطع نگردد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که در درختیان گریه کنند تا که آب چشم منقطع شود و از آن
 خون بگریزند و در رویهای شان خند نما شوند که اگر گشتیها در آن بگذرانند جاری شوند و فرموده که در درختیان
 مدتی آب چشم ریزند بستر مدتی ریم گریزند پس خانان جنم گویند ای بد بختان شما در دنیا نگرستید حال که
 فریاد رس دارید از زمان از اقربای خود که هشتیان باشند نماندند ای جماعه پدران و مادران فرزندان
 برآمده ایم از قبور تشنه و در طعل موقوف تشنه مانیم و الحال تشنه ایم بریزید بر آب یا آنچه خدا البشما
 داده است بعد چهل سال از انجا جواب یابند که حق تعالی آب و غیره بر کافران حرام کرده است و درختیان
 در دوزخ زفر و شقیق باشد یعنی آوازی شدید و آوازی ضعیف مثل آواز خر از اهل دوزخ کمتر در عذاب
 کسی باشد که او را نعلین از آتش باشند که از آن دماغ او جوشد چنانچه دیگر سجوشد و اندک کسی از من در
 عذاب سخت تر نیست حال آنکه او کمتر است و در عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید
 که ابوطالب حمایت تو میکرد و او را چیزی نفع کردی فرمود آری او در وضوح آتش است
 اگر من نمی بودم در درک اسفل می بود وضوح آبی قلیل را گویند که تا شتالنگ باشد
 با کمتر از آن در حدیثی آمده که ابوطالب را نعلین است از آتش که از آن دماغ او میجوشد

باب چهارم در عذاب گناهکاران از مستندین

رسول فرمود صلی الله علیه وسلم در درختیان در آتش نه زنده باشند یعنی زندگی راحت و نه مرده باشند

سید باب که خند
 منقطع شود

و بعضی کسان آتش سیدین میزند و شل انگشت شوند پس حکم شود بشفاعت آنها پس آنها را برادر و بر
 غیر که بهشت انداخته شوند و این بهشت را حکم شود که بر آنها آب بریزند پس آنها شل سینه بر زمین و در حد
 آمده که گرمی و زنج بر است من تا نگر می خام باشد یعنی در حق بعضی کسان فرموده که بعضی در خیابان را آتش
 تا شل انگشت باشد بعضی را تا زانو و بعضی را تا سینه و بعضی را با حلق و بعضی را تا سر فرموده زن آن را که شل
 اکثر اهل دوزخ دیدم زنی گفت چرا فرمود شما لعنت بسیار بگوید و کفر ان نعمت شوهر آن میکنند و نیز در حق
 فرموده که آنها بر خطا شکر میکنند و بر بلا صبر میکنند و فرمود که مردی را در دوزخ انداخته شود پس هر دو آنرا بکار
 پس او آتش گردش کند چنانچه نگر و آسیا میگوید و دوزخیان جمع شوند و بگویند ای خلاق حالت ترا تو مارا
 امر مود و دنی از من میگوید گوید که من شما را امر معروف میگردم و خود آن کار نمی گردم و منی از
 شکر میگردم و خود ترکب آن بودم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم میتواند کرد
 طلب علم کرد و مرد عالم که بعلوم خود نفع نگرفت و فرموده که زبانی جلدی کنند و عذاب قاریان پیش از
 عذاب بت پرستان آنها گویند که شما و عذاب ما جلدی کردید پیش از بت پرستان آنها گویند که
 عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسی که قلاوه یا گوشواره یا دست بند از زر پوشیده
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که قلاوه و مانند آن از نار باشد علما این حدیث را در حق زنا
 منسوخ گفته اند تا وایلی میکنند بعد از آنکه کات و فرموده هر که در ظرف تریا نقره آب خورده آتش
 دوزخ و شکر او آواز کند چنانچه آب در کوزه و همچنین هر که اگر گریبان جبهه بر حریب باشد و اطواق آتش باشد
 و همچنین شکر فرمود هر که خواب دیدن ظاهر کند و ندیده باشد تکلیف داده شود که در دو جگر ده
 و شکر کند هر که سخن کسی را گوش دهد و او بشنیدن او راضی نباشد و گوش او سرب گذاشته بخفته شود
 و در قیامت و هر که صورت قدی روح سائر و تکلیف داده شود که در آن روح داخل کنند و هر که علم را
 پوشیده کند او را کلام آتش داده شود و هر که دوزخیان باشد در دنیا یعنی روبرو شخصی وضعی دیگر گوید
 و غایبانه وضعی دیگر از دوزخیان باشد از آتش روز قیامت و هر که را در وضو یا شستن خشک باشد یا
 یا شسته او را روز قیامت و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در وضو و انگشتان خلال کنید تا آتش

در میان شان نیاید و در صحیحین است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که هر که از بلندای خود را انداخته بر دوزخ همیشه در دوزخ در همین عذاب باشد و هر که زهر خورده مرده همیشه در دوزخ زهر خورده مرده باشد و هر که آبهن خود را گشت همیشه آهبن او در دست او باشد که در شکم میزده باشد و فرموده هر که اهل بدین را بدنی خواهد در آتش گدازد چنانچه قلعی گداخته میشود و هر که غیبت کسی کند گفته شود که بخور گوشت او در جاست مردکی چنانچه خور دی گوشت او در حالت زندگی پس بخورد و بسیار ریخ کشد در حدیثی آمده که چهار کس باشند که در جحیم و جحیم بگردند و دوزخ گویند و اهل دوزخ گویند که اینها کیستند که نزدیکی شان ما را ایذا کند زیاده از ایندای نفس خود و او را گویند ای بعد تو ما را ایذا کردی زیاده بر آنچه ما را بود یکی آنکه مال مردم برگرد او باشد و او دانشود او معلق باشد در تابوت از آتش دوم آنکه از رسیدن بول بیچاره و بدن پرستند او احساس خود در آتش کشد سوم آنکه از سخن مردم لذت گیرد از دمان او و بیم جاری باشد چهارم آنکه غیبت نماید و همیشه گوشت خود بخورد و از قصور بن نازان مرویست که گفته عالم که از علم خود منتفع نشد و در خیانت سازی شوند از بوی بد او و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که فرجهای زانیان ایذا دهند اهل دوزخ را از بد بوی و در صحیحین است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر کس استی که حق تعالی بر خود لازم گرفته است آنکه هر که مسکین خورده او را نشان حق تعالی طینت خجال فرمود یعنی افشوده و در خیانت در حدیثی آمده که هر که خمر نوشد خدا او را جحیم نسیم نشانده و فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که مدینه بجزرنگاه خوابگاه نیست واجبست بر امت من گرامی کردن اهل بدین را تا که پشیزند از کبائر و کسی که چنین نکند او را حق تعالی طینت خجال نشانده و فرمود هر که در حق مسلمان گوید آنچه در وی نباشد خدا تعالی او را ساکن بر فحشاء کند تا که بر آید از آن قول و بر بخوابد از آن قول و فرموده که زنان نوحه گر را و وصف کرده بر جانب همین دوزخیان استاده کرده شود پس آواز کرده باشند بر دوزخیان مانند آواز سگان فرموده که بیادگاه ظالمان سگان دوزخ باشند و در صحیحین آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که سخت تر عذاب صور باشد و در حدیثی آمده که سخت تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که انبیاء دشنام دهد بدست کسی که اصحاب مراد دشنام دهد بدست کسی را که دیگر مسلمانان دشنام دهد و فرموده که سخت تر عذاب کسی باشد

اینکه آنکه تصور
زیادتی کند

که نبی را قتل کرده یا نبی او را قتل کرده و بادشاه ظالم را و مستوران را و فرموده که سخت تر عذاب روز قیامت
 کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکند و در حدیثی آمده که حق تعالی بعضی مردم را به نخل شست
 حکم کند چون نزدیک هشت رستند و خوشی هشت بینند حکم کند که اینها را از بهشت بازگردانیده بدوزخ اندازد
 پس آنها بحسرتی بازگردند که دیگر دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگار اگر ما را از اول
 داخل دوزخ میکردی بهتری بود حق تعالی فرماید که همین خجاستم که شما را حسرت و هم شهادت خلوت
 گناهان عظیم میکردید و محصور مردم برخلاف آن میکردید از مردم همیت میکردید و از من همیت نمیکردید مردم
 تعظیم میکردید و مرا نمیکردید فعل بد برای مردم ترک میکردید و برای من ترک نمیکردید امر و مز می چنانم شمار
 عذاب الیم و محروم داشتم شما را از ثواب فرموده که برای ستم کننده گان با مردم دری بسوی هشت
 کشاده شود و گفته شود یکی را از آنها برای خیر فوج از دوزخ و او باکر و محنت آید چون نزدیک در رسد در را
 بند کرده شود همیشه همچنین شده باشد تا آنکه چون دروازه کشاده شود و گفته شود که بیا از نا امید ی نیاید
 و در حق چند کس در احادیث وارد شده **قُلْتُ بَنُو امِّ قَعْدَ لَا يَمُنُ النَّاسَ** یعنی باید که خانه خود در دوزخ
 سازد و کسی که بنو غیر صلی الله علیه و سلم دانسته دروغ بندد و کسی که دعوی دروغ کند و کسی که شهادت
 دروغ دهد و کسی که قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان بخورد و کسی که دوست دارد آنکه مردم پیش او ستم
 باشند و در حدیث وارد شده که گناهکاران سوا امت محمد صلی الله علیه و سلم در دوزخ انداخته شوند
 و دمای شان سیاه شود و قید های هنی در پا و طوقها در گردن آنها باشد و گناهکاران امت محمد صلی الله
 و سلم اگر در دوزخ انداخته شوند و دمای شان سیاه نباشد و نه قید در پا و نه طوق در گردن آنها را دیده
 مالک گوید که از شما خوب رو تر بر من دار و نشده است شما از کدام است هستید گویند ما از امت قرآن
 هستیم از امیر المؤمنین علی و ابی هریره رضی الله عنهما روایت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اگر
 از موصدان که بدون توبه مرده باشند بگردانند داخل دوزخ شود چشمهای شان از ترق نشود و در دمای
 شان سیاه نباشد و با شیاطین در یک نجیر نگردند و شوند و طوق در گردن و زنجیر در پا نگردند و شوند و جیم نخورند
 شوند و قطران پو شانیده شوند و خلود در آتش آنها را نباشد و صورتها سیاهی شان آتش حرام کرده بسبب سجده

بعضی آنها را آتش باشد تا قدم و بعضی را تا پا باشند و بعضی را تا ران و بعضی را تا کمر و بعضی را تا گردن
 بقدر گناهان شان بعضی از آنها یک ساعت و بعضی یک روز یعنی بقدر یک روز دنیا و بعضی یک ماه و بعضی یک سال
 در دوزخ باشند بعد از آن از آن خارج کرده شوند و در از مدت ماندن شان در دوزخ مثل عمر دنیا باشند
 فصل چون خواهد که حق تعالی آنها را از دوزخ برارد و یهود و نصاری و بت پرستان و غیره اهل ادیان
 باطله و مومنان را گویند که ما شما در دوزخ برابریم یعنی ایمان شما چه فایده کرد حق تعالی و غضب آید
 و مومنان را از دوزخ برارد و بسوی چشمه که در میان صراط هشت است میفکند پس آنها مانند سبزه تری
 پست در اخل هشت شوند و بر پیشانی شان نوشته باشد **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** بعد مدتی آن نوشته می شود
 پس حق تعالی فرشتگان را بفرستد باز در دوزخ بر کسانی که باقی ماندند یعنی کفار بنده کنند و همچنان آتشی
 بر آنها زنند و احمد از ابی هریره آورده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که خشش کند الله تعالی بر دوزقیان
 بر کسانی که عمل نیک گاهی نکرده اند پس برادر آنها را از دوزخ بعد سوخته شدن پس داخل هشت کند و
 خود بعد شفاعت شفاعت کنندگان و برادر از ابن عمر روایت کرده که گفته بر آتش وقتی آید که باد آید
 آنرا در حرکت درارد و کسی در آن نباشد شیخ محی الدین عزلی از یحیی بن موقوف میگوید که بعد مدتهای مدتی
 در دوزخ کفار هم باقی نمانند و مراد از خلود آنها گشت طویل است لیکن این قول مخالف نصوص قطعیه و اجماع
 و علما این حدیث را تاویل میکنند و میگویند که جامی عاصیان مومنان که طبقه علیاست از دوزخ خالی شود
 و کسی از موحدان در آن نماند طهرانی از انس از جابر بن عبد الله صحیح آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 که مردان از امت من بسبب گناهان عذاب کرده شوند تا وقتی که خدا خواهد پست عار دهند آنها را کفار که
 شما را تصدیق رسول نفع نکرد پس حق تعالی بفرماید که برارند هر که باشد مسلمان آن زمان کافران
 آرزو کنند که کاشکی مسلمان بود می آنحضرت این آیت خواند **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا كُفِّرُوا بَعثْنَا**
مُسْلِمِينَ حاصل آنکه مسلمانان را در دوزخ خلود نباشد رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گوید و بر همین اعتقاد بماند و اخل هشت شود ابو ذر گفت که اگر چه زنا
 کرده یا سرقه کرده باشد آنحضرت فرمود اگر چه زنا و سرقه کرده باشد باز ابو ذر همان گفته باز آنحضرت

یعنی این مردم
 دوزخی اند از آرد
 کرده شده
 چنانچه اند
 صاحب موقوف
 از گویند که اوصاف
 روایت باشند
 تا آنکه خدا صلی الله
 علیه و سلم گفته باشد
 هیچ باقی نماند
 که دوست خواهند
 داشت که قرآن
 که کاشکی مسلمان بود

بر خاک آورده شدن
یعنی اهل ذر که در آنجا
است ای دلیل پنج
این جهان را

همان فرموده و در مرتبه سوم گفته علی که خیم آفت آبی خیزد و فرموده هر که میرد در حالیکه شرک
نکرده باشد داخل بهشت شود و هر که میرد و مشرک باشد داخل دوزخ شود و احادیث درین باب
بسیار اند زیاده از حد تواند و در بعضی احادیث وارد شده که هر که شهادت دهد بتوحید و برسانت محمد
صلی الله علیه و سلم حق تعالی آتش دوزخ بروی حرام کرده مراد آنست که آتش مؤبد و مخلود در دوزخ
بر روی حرامست بدلیل دیگر احادیث که در عذاب گناهکاران از مسلمین وارد شده و آنچه این جهان از
ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که هر که لا اله الا الله گفت نفع خواهد کرد او را روز
ازدیش از آن آنچه او را رسد و ترمی و حاکم از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم
حق تعالی بفرماید که از آتش بر آید کسی را که روزی مرا یاد کرده و جاش از من نرسیده باشد
فصل در صحیحین از ابن عمر مرویست چون هشتیان تمام داخل بهشت شوند و همه دوزخیان یعنی کفار
در دوزخ مانند استاده شود بانگ بنده در میان شان و آواز کند ای اهل دوزخ موت نیست
و ای اهل بهشت موت نیست هر یک در آنچه است همیشه باشد و هم در صحیحین از ابن عمر و ابی سعید
خدری که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قتی که همه هشتیان در بهشت شوند و دوزخیان در دوزخ
مانند موت را بصورت کبش سپاه در میان دوزخ و بهشت آورده شود و گفته شود ای اهل بهشت
و ای اهل دوزخ موت را می شناسید هر یک گردن دراز کند و بیند و گوید آری این موت است پس او را
فوج کرده شود و گفته شود ای اهل بهشت خلوت و ای اهل دوزخ خلوت موت نباشد رسول فرمود صلی الله
علیه و سلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید و سنگریزه دنیا بر این خوش شوند و اگر
اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید و سنگریزه دنیا بر این نعلین شوند لیکن بر اینها خلوت است ابد
از این مسعود مرویست که چون باقی ماند کسی که در دوزخ مغلط باشد آنها را در صند و قهای آهنی کرده و بر آن
می خجای آهنی زده و آن صند و قمار در صند و قهای دیگر آهنی کرده انداخته شوند پایین دوزخ پس هر یک
از آنها داند که غیر او کسی دیگر در عذاب نیست و هم از ابن مسعود مرویست که منافقان را در صند و قهای آهنی کرده
در درک اسفل دوزخ در تنور ها تنگ ترا میخ که کوفته شود و تیره کرده شود از اجب الحزن گویند

این کتب
بایه زین
جواب این
گاه

باب پنجم در صفت جنت و دخول بهشت و نعمتهای

دخول بهشت محض بفضل خداست جل و علا در تحقیق این عاقلانه صدیقه مرویست که رسول فرمود
 علیه و سلم حکم گیرید کار خود را در نزدیکی جوید بخدا و خوش باشید بدستی که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را
 عمل او گفتند یا رسول الله و نه ترا فرمود و نه مرا اگر آنکه پوشد مرا حق تعالی مغفرت و رحمت خود و در
 صحیح مسلم از جابر مرویست که آنحضرت فرموده که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او و نه خلاص
 کسی را از دوزخ عمل او و نه مرا اگر رحمت از خدا اینچنین در احادیث بسیار آمده و این سخن مشکل میشود
 بقوله تعالی ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ یعنی داخل شوید بهشت را بسبب اعمال خود و او گفته
 بدانکه اصل دخول جنت و خلوص در این بفضل خداست چرا که خلوص غیر متناهیست و اعمال متناهیست و
 تفاوت درجات جنت بسبب اعمال است تنها و از این مسعود روایت کرده که خواهند گذشت مردم
 از صراط بعفو خدا و داخل بهشت خواهند شد بر رحمت خدا و تقسیم خواهند کرد منازل را و بهشت با اعمال
 خود فقیر گوید که چون حق سبحانه تعالی اعمال محقرندگان را بر رحمت خود قبول فرموده و جرای اعمال محقر
 متناهی را دخول جنت ثواب غیر متناهی مقرر فرموده بعد از آن اگر گفته شود که دخول جنت جزای اعمال
 گنجایش دارد و اگر گفته شود که دخول جنت بر رحمت خداست هم گنجایش دارد و طبرانی و بیهقی از سلمان
 فارسی از آنحضرت روایت کرده که هر کسی را حکم شود به دخول جنت چندی از حضور عنایت شود و این عبارت
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِّنْ لِّلَّهِ الْغَزِيرُ الْحَكِيمُ لِفُلَانٍ اَدْخُلُوا جَنَّةَ
 عَالِيَةِ قَطُوفِهَا اَئِمَّةٌ یعنی این خط از اسد عزیز حکیم است بر فلان که او را داخل کنید بهشت عالی
 که نموده آن نزدیک است و چون مردم داخل بهشت شوند خازنان بهشت گویند سلام علیکم و طیبتم
 فَاَدْخُلُوهَا خَالِدِينَ هُوَ از هر روز در بهشت بایند و بگویند سلام علیکم و بیا صبر کنید و فی عهده
 عِشَى الدَّارِ بِشْتِیَانِ گویند الحمد لله الذی صدقنا و عده و اوفى لنا الارض ننبئکم
 مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ و بگویند الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی

سلام از خداوند
 خوشحال باشید
 این حدیث از
 جابر بیان
 شده است
 صحیح مسلم
 از جابر
 مرویست
 آنحضرت
 فرموده
 که داخل
 بهشت
 نخواهد
 کرد
 کسی
 را
 عمل
 او
 و
 نه
 خلاص
 کسی
 را
 از
 دوزخ
 عمل
 او
 و
 نه
 مرا
 اگر
 رحمت
 از
 خدا
 اینچنین
 در
 احادیث
 بسیار
 آمده
 و
 این
 سخن
 مشکل
 میشود
 بقوله
 تعالی
 ادْخُلُوا
 الْجَنَّةَ
 بِمَا
 كُنْتُمْ
 تَعْمَلُونَ
 یعنی
 داخل
 شوید
 بهشت
 را
 بسبب
 اعمال
 خود
 و
 او
 گفته
 بدانکه
 اصل
 دخول
 جنت
 و
 خلوص
 در
 این
 بفضل
 خداست
 چرا
 که
 خلوص
 غیر
 متناهیست
 و
 اعمال
 متناهیست
 و
 تفاوت
 درجات
 جنت
 بسبب
 اعمال
 است
 تنها
 و
 از
 این
 مسعود
 روایت
 کرده
 که
 خواهند
 گذشت
 مردم
 از
 صراط
 بعفو
 خدا
 و
 داخل
 بهشت
 خواهند
 شد
 بر
 رحمت
 خدا
 و
 تقسیم
 خواهند
 کرد
 منازل
 را
 و
 بهشت
 با
 اعمال
 خود
 فقیر
 گوید
 که
 چون
 حق
 سبحانه
 تعالی
 اعمال
 محقرندگان
 را
 بر
 رحمت
 خود
 قبول
 فرموده
 و
 جرای
 اعمال
 محقر
 متناهی
 را
 دخول
 جنت
 ثواب
 غیر
 متناهی
 مقرر
 فرموده
 بعد
 از
 آن
 اگر
 گفته
 شود
 که
 دخول
 جنت
 جزای
 اعمال
 گنجایش
 دارد
 و
 اگر
 گفته
 شود
 که
 دخول
 جنت
 بر
 رحمت
 خداست
 هم
 گنجایش
 دارد
 و
 طبرانی
 و
 بیهقی
 از
 سلمان
 فارسی
 از
 آنحضرت
 روایت
 کرده
 که
 هر
 کسی
 را
 حکم
 شود
 به
 دخول
 جنت
 چندی
 از
 حضور
 عنایت
 شود
 و
 این
 عبارت
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِّنْ لِّلَّهِ الْغَزِيرُ الْحَكِيمُ لِفُلَانٍ اَدْخُلُوا جَنَّةَ عَالِيَةِ قَطُوفِهَا اَئِمَّةٌ
 یعنی
 این
 خط
 از
 اسد
 عزیز
 حکیم
 است
 بر
 فلان
 که
 او
 را
 داخل
 کنید
 بهشت
 عالی
 که
 نموده
 آن
 نزدیک
 است
 و
 چون
 مردم
 داخل
 بهشت
 شوند
 خازنان
 بهشت
 گویند
 سلام
 علیکم
 و
 طیبتم
 فَاَدْخُلُوهَا خَالِدِينَ هُوَ از هر روز در بهشت بایند و بگویند سلام علیکم و بیا صبر کنید و فی عهده
 عِشَى الدَّارِ بِشْتِیَانِ گویند الحمد لله الذی صدقنا و عده و اوفى لنا الارض ننبئکم
 مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ و بگویند الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی

لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلًا بِالْحَقِّ وَكَوْنَهُ الْكَافِرِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 فَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا لَوْ كَفَرُوا شُكُّوا وَجَوْنِ دَمٍ دَاخِلِ بَشْتِ شُونَ اَوَّلِ طَعَامِ شَانِ بَادِتِ جَوَاهِي شَانِ
 فصل در صفت جنت و عدد آن حق تعالی در قرآن میفرماید وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ
 وَاَزْوَاجٌ مُزَوَّجَةٌ وَفِيهَا جَنَّاتٌ يَعْنِي هَرَكِهْ خُونِ كَنْدِ اَزَا سِتَادِنِ مِشِشِ پُر و ر و د گار خود
 برای آنها دو بهشت است و پایین تر از آنها دو بهشت دیگر اند در صحیحین و غیره از ابی موسی اشعری مروی است
 که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که بهشت چهار اند و از نقره است عمارتها و آنچه در بهشت از نقره است
 و دو از زرست عمارتها و آنچه در آنست از زرست و شباهت میان قوم و رویت خدا مگر پرده کبریا در جنت
 عدن دو بهشت از برای سابقین است و در بهشت نقره برای تأمین است و بروایتی برای صحابین
 و طبعی گفت بعضی علما گفته اند جنت هفت اند و از الجلال دار السلام و از الخلد جنت عدن
 جنت المادوی جنت نعیم فردوس و بعضی علما گفته اند که چهار اند چنانچه حدیث ابی موسی دارد
 و از سیاق سوره حمل مستفاد میشود و این همه نامها هر چهار بهشت است و در بهشت درجا و
 منازل بشمار اند و صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر کایمان آورد بخدا
 و رسول او صلی الله علیه و سلم نماز گزارد و زکات دهد و روزه رمضان گزارد و حق است بر خدا که او را داخل
 بهشت کند در راه خدا بجا کند یا در خانه خودش بسته باشد یعنی ذایض ادا کند و جهاد فرض عین نیست غالباً
 مردم گفته اند یا رسول الله خبر نمیدی مردم را بدان فرمود که در بهشت صد درجه است که میگوید حق تعالی
 آن درجات را برای مجاهدین فی سبیل الله میان هر درجه آنقدر تفاوت است که در میان آسمان و زمین
 پس چون سوال کنید از حق تعالی سوال کنید فردوس را که بهتر جنت است و بالای آن عرش رحمت است و
 از آنجا نماند هیچ بهشت بیشگاف از این حدیث معلوم میشود که صد درجه مجاهدین فی سبیل الله است
 و برای دیگر اهل حسنات دیگر درجات باشند و در دیگر احادیث آمده از معاذ و عباد بن الصامت
 رضی الله عنهما که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم بهشت را صد درجه است میان هر دو درجه باشد
 تفاوت آسمان و زمین است و فردوس اعلی از همه است شاید که مراد از این احادیث درجات مجاهدین باشد

اگر راه
 نمودی را رضا بفرماید
 آمدن فرستادگان
 پروردگار را برآستی
 بهرستانش
 خدای را شاکه دور کرد
 از آن آفنده را بر آید و بگوید
 آفرنده قدر شناس
 نسخ الرحمن ۱۱

و در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوزد شمس خدا اندازد حق تعالی درجه او بلند کند در میان و درجه صد ساله راه باشد
 و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان زمین است در درجه اول خانها
 تختها و درها و دیوارها و قفله از نقره است و در درجه ثانیه آن همه از زر است و در درجه سوم همه آن از یاقوت
 و مروارید و زبرجد است و نود و هفت درجه بقسمی است که نمیدانند آنرا جز حق تعالی و مسلم از ابی هریره روایت
 کرده که آنحضرت فرمود آیا خبر داران کنم شمار این را آنچه دور کند خطایا بلند کند درجات گفتند بلی فرمود اسبغ
 وضو بر سکاره یعنی در حالت ناخوشا بد استعمال آب وضو بخوبی کند و در رفتن مسجد نماز انتظار نماز بعد نماز
 همین است رباط و پیوستگی از عایشه روایت کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعد از اینها می توانست
 پس هر که داخل شود در بهشت از اهل قرآن بالای او درجه نباشد یعنی هر که تمام برکات قرآن گیرد تمام درجات
 را در گیرد این حدیث را بران حمل نباید کرد که درجات بهشت شش هزار و شصت و شصت و شش است
 بعد از آیات قرآن بلکه حمل بران باید کرد که هر قدر که آیات قرآن را فکر کند برای او درجات بهشت بیشتر
 اصحاب بسنن و ابن جتان از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت فرمود صاحب قرآن را گفته شود که قرآن را
 و ترقی کن و تریل کن چنانچه تریل میکردی در دنیا و در حدیثی آمده که مردی در بهشت نظر بفوق کند و گوید
 از فوق درخشند که بصر او انبیره کند بگوید که این چیست گفته شود که این نور برادر است فلان گوید که من
 او در دنیا با هم بودیم و عمل میکردیم و اینقدر او را بر من فضل چرا شد گفته شود که او از تو در عمل افضل بود
 حق تعالی در دل او رضایه حسد نکند و در حدیثی سبب افضلیت مذکور شده که آنها گرسنگی کشیدند
 و شما سیر بودید و آنها تشنگی می برداشتند و شما سیراب میشدید و آنها تشنه با بیداری میکردند و شما خواب
 میکردید و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی بنده را مبتلا کند
 تا آنجا رسد و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا اگر اصحاب میموم و فرمود
 در بهشت درجه ایست که نرسد آنرا اگر کسی با مشا عاقل و ذورحم وصل کننده و عیب له ارضا
 فصل حق تعالی یفرماید **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ**
وَمَا أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ مِنْ شَيْءٍ طَعْنٌ كَمَا يَأْمُرُ الْيَهُودَ لِيَمْلِكُوا النَّاسَ وَهُمْ لَمْ يَلْعَنُوا

در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوزد شمس خدا اندازد حق تعالی درجه او بلند کند در میان و درجه صد ساله راه باشد

اولاد آنها بایمان یعنی آنها من هم هستند لاحق کنیم با آنها اولاد آنها را و از محل شان چیزی کم نکنیم
 آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی ذریت مسلمان را بدرجه او رساند برای هر دوی چشم او
 و در حدیثی آمده که چون مرد داخل بهشت شود از مادر و پدر و فرزندان خود پرسید گفته شد که آنها چه
 توصیفه اند مثل تو عمل نکرده اند گوید ای پروردگار من آنچه عمل کرده ام برای خود و برای آنها کرده ام
 پس ام نشود بالحق آنها و فرموده که هر که بلند می درجیات خواهد باید که عفو کند کسی را که بر دین ظلم کرده
 و بدید کسی را که او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و فرموده هر که برساند بسوی پادشاه
 برادری را برای جلب نفع یا دفع ضرر خدایات او بلند کند و فرموده که هر که کمانت کند یا فال از پرنده
 گیرد و از سفر باز ماند بدرجیات بلند نرسد و اگر بهیم گنجی گفته که هر شخص هر قدر که در دنیا از طعام یا شراب
 حظ بردارد در آخرت درجه او کم شود فقیر گوید که این قول محمول بر اسراف است و گرنه در حدیث آمده
الطَّاعِمُ الشَّارِكُ كَالصَّائِعِ الصَّائِرِ این عمر گفته که شخصی با غلام خود داخل بهشت شود و درجه غلام
 بلند باشد بگوید ای پروردگار این غلام من بود در دنیا گفته شود که این که خدا بیش تر از تو کرده طبرانی از
 ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که روز قیامت حق تعالی ندا کند که من نسب مقرر کرده ام
 و شما نسب دیگر گفتید من متقی را اگر م ساختم و شما این غنی نه پسندیدید گفتید که فلان بن فلان از فلان
 بن فلان بهتر است امروز نسب مقرر کرده خود را بلند کنم و نسب شما را پست سازم متقیان کجا اند یعنی
 مرتبه متقیان بقدر تقوی بلند شود و در حدیثی آمده که دو دو کس در راه خدا هم صحبت باشند و اعمال صالحه
 غنی و فقیر صحیح و مریض حر و مملوک نیک خلق و بد خلق حق تعالی مرتبه صحیح بر مریض و حر بر مملوک و
 غنی بر فقیر و نیک خلق بر بد خلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بد خلق گویند الهی ما با هم در راه تو هم
 بودیم و عمل صالح میکردیم اینها را بر ما چو فضیلت دادی گفته شود که غنی مال خود در راه خدا خرج کرده است
 و صحیح و حر از مریض و مملوک در اعمال صالحه زیاده ای کرده اند و نیک خلق را بسبب حسن خلق فضیلت شد
 فقیر گوید که الهی اگر مال میدادی من هم در راه تو خرج میکردم و مریض و مملوک گویند الهی اگر مرا صحیح و مرا حر میکردی
 عمل میکردم حق تعالی فرمود که راست گفته اید پس فقیر را بر غنی مریض را بر صحیح و مملوک را بر حر و بد خلق را بر نیک
 خلق

نخستین بار که از این روایت در این کتاب آمده است

فصل بیست و هشت در دانه باشد نمازبان را از باب الصلوة و صائم را از باب الصوم
 و صدقه دهندگان را از باب الصدقة و مجاهدان را از باب الجهاد طلبیده شود و ابو بکر گفته یا رسول الله
 از هر دری که طلبیده شود خوبست لیکن کسی باشد که از همه دروازه‌ها و راه‌ها طلبیده شود و فرمود یا رسول
 الله که تو از آن مردم باشی که در طبعی گفته از همه در راه طلبیدن بنا بر ارامت در حدیث آمده که انسان هر
 عمل که بشیر کند بهمان در طلبیده شود و حدیث آمده که هر که بعد وضو تشهد کند لا اله الا الله فی
 الاخرة لا شریک له و تشهد آن محمد عبد الله و رسول الله گوید بیست دروازه بهشت بر او گشاید
 از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که نماز پنجگانه در روزه رمضان کند در زکات دهد و از هر
 چیز و بهشت دروازه بهشت برای او گشاید شود و بشارت بکشد و بیست دروازه بهشت
 دارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب دهد و گرسنه را
 از طعام سیر کند و در حق زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی
 چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد در حق کسی او را دو دختر یار و خواهر یار و عمه باشد آنها را پرورش کند
 فصل رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که دیوارهای بهشت را خشتی از زر و خشتی از نقره بجای گل
 شک باشد و سنگریزه‌های آن مروارید و یاقوت و خاک آن عفران هر که داخل بهشت شود همیشه
 خوش باشد ناخوش نشود و همیشه باشد نیر و بار چه او گفته نشود و جوانی او را نعل نگیرد و نه نعلی بهشت
 در غار زو و ندبالی زمین روند در میان و بازوی دروازه بهشت چهل ساله راه باشد روزی چنان جام
 شود که مردم بپلوه بپلوزند و تنگ باشند و در صحیحین است که داخل بهشت شوند از امت می‌رفتند و باز
 یا هفت لک راوی شک کرده داخل شوند برابر دست بدست گرفته رؤشان مانند شنبه چهاردهم باشد
 فصل در بهشت غنما باشند بلند از جواهر شفاف که ظاهراً از باطن و باطن آن از ظاهر دیده شود
 این بهشت اهل غنما را بیند بالاسی خود چنانچه ستاره و در دافق مشرق یا مغرب دیده شود برای
 تفاضل که در میان شان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل اینها را باشد دیگران تا آنجا نرسند
 فرمود قسم خدا که آن منازل مردمان را باشد که ایمان آورده باشند بخدا و قصد این کرده باشند و پیغمبر

برای عقیقه
 و بیست و هشت
 دروازه بهشت

در دانه باشد
 نمازبان را از باب
 الصدقة و صائم را از باب
 الصوم

و در حدیثی آمده که غرهما برای کسان باشد که با هر یک کلام نیکو بنویسند و مردم را طعام خوانند و شهما
 نماز گزارند و حالیکه مردم خفته باشند و در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده و روز
 متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که بر برادر خود سلام گوید و سلام دهند و جواب سلام گوید او گویا
 انشای سلام کرده و کسیکه این عمل خود را از طعام سیر کرده پس طعام طعام کرده و هر که ماه رمضان
 و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر جماعت خواند و نماز خوان
 و شب در حالیکه مردم یعنی کافران در خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود و مرا که گفت یا رسول
 که اطاعت است که انشای سلام و طعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند و الناس ینبأهم فی صلوات
 اگر زیاده طاعت نباشد این قدر هم کافی است اگر فضل آتی حاصل است و در حدیثی آمده که حق تعالی غرهما
 بست میا کرده است برای کسانی که برای خدا دوستی دارند و ملاقات نمایند و آنچه خرج کنند برای خدا
 در حدیثی آمده که غرهما بیست رانه علاقه باشد از فوق و نه ستون باشد از تحت مردم گفتند
 پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرده پریده رسند باشند آن غرهما صاحب بیمار یا صاحب دیوانه
 و از عمران بن حصین ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مساکین چکیه فی جماعات عدل
 پرسید شد فرمود قصر باشد از هر در آن قصر هفتاد خانه باشند از یاقوت سمرخ در هر خانه هفتاد حجره
 باشد از هر در و سیزده حجره هفتاد تخت باشند بر هر تخت هفتاد فرش باشد زنگارنگ بر فرش زرد
 از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوان هفتاد رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمان
 قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کند و احادیث اعمال صالحه که سبب ثوابی خانه
 و بیشتر باشند بسیار مذکور شده اند از انجمله بنا کردن مسجد و مواظبت بر سنن و ائمه نماز صحیح
 و چهار گانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان مغرب عشا و سوره خواندن شب جمعه
 و روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن
 بازار گوید اللهم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له که الملك و له الحمد و لا اله الا الله
 و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و علی الخیر قل نوشته شود بر او هزار در بدر رسد

در حدیثی آمده که غرهما برای کسان باشد که با هر یک کلام نیکو بنویسند و مردم را طعام خوانند و شهما نماز گزارند و حالیکه مردم خفته باشند و در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده و روز متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که بر برادر خود سلام گوید و سلام دهند و جواب سلام گوید او گویا انشای سلام کرده و کسیکه این عمل خود را از طعام سیر کرده پس طعام طعام کرده و هر که ماه رمضان و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر جماعت خواند و نماز خوان و شب در حالیکه مردم یعنی کافران در خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود و مرا که گفت یا رسول که اطاعت است که انشای سلام و طعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند و الناس ینبأهم فی صلوات اگر زیاده طاعت نباشد این قدر هم کافی است اگر فضل آتی حاصل است و در حدیثی آمده که حق تعالی غرهما بست میا کرده است برای کسانی که برای خدا دوستی دارند و ملاقات نمایند و آنچه خرج کنند برای خدا در حدیثی آمده که غرهما بیست رانه علاقه باشد از فوق و نه ستون باشد از تحت مردم گفتند پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرده پریده رسند باشند آن غرهما صاحب بیمار یا صاحب دیوانه و از عمران بن حصین ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مساکین چکیه فی جماعات عدل پرسید شد فرمود قصر باشد از هر در آن قصر هفتاد خانه باشند از یاقوت سمرخ در هر خانه هفتاد حجره باشد از هر در و سیزده حجره هفتاد تخت باشند بر هر تخت هفتاد فرش باشد زنگارنگ بر فرش زرد از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوان هفتاد رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمان قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کند و احادیث اعمال صالحه که سبب ثوابی خانه و بیشتر باشند بسیار مذکور شده اند از انجمله بنا کردن مسجد و مواظبت بر سنن و ائمه نماز صحیح و چهار گانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان مغرب عشا و سوره خواندن شب جمعه و روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن بازار گوید اللهم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له که الملك و له الحمد و لا اله الا الله و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و علی الخیر قل نوشته شود بر او هزار در بدر رسد

اعمال صالحه که سبب ثوابی خانه و بیشتر باشند بسیار مذکور شده اند از انجمله بنا کردن مسجد و مواظبت بر سنن و ائمه نماز صحیح و چهار گانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان مغرب عشا و سوره خواندن شب جمعه و روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن بازار گوید اللهم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له که الملك و له الحمد و لا اله الا الله و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و علی الخیر قل نوشته شود بر او هزار در بدر رسد

دو در کرده شود از آن هزار در هزار گناه و بنا کرده شود خانه و بهشت و آن حضرت فرموده که هر که ده بار سوره اعلیٰ
خواند میخانه برای او بهشت بنا کرده شود و اگر بیست بار خواند دو خانه و اگر سی بار خواند سه خانه عمر گفت یا
رسول الله در این صورت بسیار خانها و بهشت کنیم فرمود که فضل خدا فراخ تر است طبرانی از حکیم بن محمد
روایت کرده که بسبب ذکر خدا بنا و بهشت میشود چون شخص از ذکر بپزد میشود از بنا کردن بند میشود
پس گفته شود آنرا که چرا باز ماند از بنا گویند تا که بار نفقه رسد و همچنین ابن علی بن ابی نعیم روایت کرده و
در حدیثی آمده هر که این سوره را صبر کرد و حمد گفت **وَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِمْ رَاٰجِعُونَ** گفت حکم شود که بنا کنند
برای بنده من خانه و بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صفت نماز یا صفت قتال قهر
بند کند حق تعالی درجه او بلند کند و بنا کند برای او خانه و بهشت و فرمود هر که در و غلوی ترک کند خانه او بسو
و بهشت بنا شود و هر که ترک کند جدال و او متقی باشد بنا کند خدا برای او خانه و در بیان بهشت و هر که
خلق حسن باشد در اعلیٰ بهشت خانه او باشد و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار حسنه شود
و خانه و بهشت بنا شود از یا قوت سترج و فرمود هر که قبر مسلمانان کند یا خانه او و بهشت بنا شود
فصل بوی بهشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی
پانصد و هفتاد ساله راه و در حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که در حق کسی را
او را بوی بهشت نرسد و همچنین دارد شده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی
خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد محل خود و کسیکه نافرمانی والدین کند و کسی که
خمر باشد و کسیکه قطع رحم کند و کسیکه در پیری زن نکند و کسیکه تنگبار از خود بر زمین کشد و کسیکه خضاب
سیاه کند و فرمود آن حضرت صلی الله علیه و سلم مردی که مردود دل او مقدار
دانه خردل کبر باشد حلال نیست او را که بوی بهشت بوی رسد یا بهشت را ببیند
فصل در صحیحین از ابی هریره روایت که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که در خان بهشت آنجا
باشند که اگر در سایه او سوار صد ساله راه رود سایه او را قطع نکند و ترمزی از اسباب بیت ابی بکر آن حضرت
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در ذکر سوره المنتهی فرموده که سیر کند سوار در سایه یک شاخ وی صد بار

در حدیثی
برای خداست
و بسو
و بهشت

در حدیثی
برای خداست
و بسو
و بهشت

و در آن پروانه های زر باشد و ثمر آن مثل قلعه باشد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم طوبی در
 صد ساله راه پاره پوشاک شش میان ازان براید و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم درختی درشت بنا
 مگر آنکه تنه او از زر باشد و از این عجایب و نیست که تخمه بهشت راتنه زمر و سبز و شامه آن طلبا سخن
 و برگ آن پوشاک این بهشت قطعی و هم حللها و ثمر آن مثل قلعه سفید از شیر و شیرین تر از عسل و نرم
 از زرد و نباشد و خسته ستمان فارسی رضی الله عنه چوبی خرد در دست گرفت و گفت اگر در بهشت
 اینقدر چوب طلب کنی نیایی مردم گفتند که آنجا خیلی و شجر باشد فرمود که هیچ و تنه آن از زمر و ارید و زر باشد
 و بالای آن ثمر باشد یک اعرابی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم گفت یا رسول الله درختی ندیده کور شده که
 ایضا میکند صاحب خود را فرمود آن چیست گفت سدره فرود حق تعالی فرماید **فِي شَجَرٍ مِّنْهُ**
 یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خار او را بجای بر خار ثمره باشد از هر ثمره هفتاد و دو رنگ براید که
 مشابه یکدیگر نباشد و ثمره و درختان بقسمی باشد که استاده و نشسته و بر زمین خفته هر حال میتوان گفت
 عجایب رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نقره باشد و خاک او از مشک و درختان از زمر و نقره و شاخها
 از زمر و ارید و زمر با قسمی استاده و نشسته و خفته از آبگید و مسروق رضی الله عنه گفته که
 جنت هرگاه شکسته شود بجای آن دیگر قائم شود و آبی بر ریه گفته که سدره بهشت را طوبی گویند و
 میفرماید بشکاف بر آن بنده صالح من هر چه خواهد پس نگاهدازان اسب مع زمین و لگام چنانچه خواهد
 شتر بار جل و هوا بقسمی که خواهد و براید پاره آنچه خواهد و در احادیث وارد شده که هر که **بَشَّحَ**
 گوید برای او درختی در بهشت نشانه شود رسول صلی الله علیه و سلم ابوهریره رضی الله عنه را
 درختی می نشانده فرمود که دلالت کنم من تیرا بروختی بهتر از این گفت آن چیست فرمود **بَشَّحَ** الله
الْحَمْدُ لِلَّهِ كَلَامَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و اگر بهر کلمه از این درختی برای تو نشانیده شود رسول ص
 علیه و سلم این بنده علی السلام را در خواب دید گفت یا محمد امت خود را از سن سلام بگو و خبر ده که بهشت
 خاک است و شیرین آب و آن بی درخت است و درختهای آن **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ است و آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که نزد حق تعالی

قد بضم القاف
تثنية اللام ببربر
فقط لحنه يونس
شده اهل است
ن بن ن بر کشته

۱۳ بکیت خداست نیز که را
۱۴ بکیت خدایا
۱۵ یوسف تا به خدایت
۱۶ هیچ معبود و پندار خدا
۱۷ بگفت است
۱۸ یعنی خاک شسته شود
۱۹ در کینه و آتش نیست
۲۰ ایضا بل بنامه نیکو گوید

آن دختر همراه او شود و بجای او دختری دیگر برود و در حق نهر باقی نیست حق تعالی میفرماید
 یَحْشُرُهَا تَحْشِيرًا یعنی این هشت هجره را که خواهند آن نهر را آنجا ببرد با این هشت قضیه بسیار
 اند و از آن قضیه ها اشاره کنند همراه آن قضیه ها نهر جاری شوند احمد از ابی سعید خدری روایت میکند
 که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که مسلمان از تشنگی آب خوراند حق تعالی او را از رحمت مخموم
 و حقیق مخموم عبارت از غم است که در آخر آن لذت و بوی مشک باشد و از هر هشت صداع نشود
 چنانچه در قرآن است و عقل زایل نگردد و چون این هشت را رغبت شراب شود بدست او آنقدر دادند
 که نه زیاده باشد از خواہش او نه کم و فرمود که هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند و آخرت از آن محروم
 اگر چه داخل هشت شود و فرمود که هر که خمر خورد در دنیا یا بچه صغیر را خوراند او را حق تعالی جہنم
 خوراند و هر که خوف خدا نهر را ترک دهد با وجود قدرت بر آن و در حظرة القدس خورانیده شود و در هشت
 وارد شده که در هشت درخت باشد که از آن لباس شستیان ^{مکان پاک} بپایند اگر خواهد سفید و اگر خواهد سرخ و اگر خواهد
 سبز و اگر خواهد سیاه و اگر خواهد زرد و بار دیگر و خوبتر این ابی حاتم از کعب جبار آورده که اگر یار چه هشت را
 در دنیا پوشد چشمها دیدن آنرا تحمل نشوند هر که آنرا ببیند بهوش شود و میبرد و صاحب او از عکرمه زودتر کرد
 که لباس شستی در یک ساعت بقدر رنگ تبدیل شود و همچنین نیست که آنحضرت فرموده هر که حریر در دنیا پوشد
 در آخرت نبوشد اگر چه داخل هشت شود و فرموده که هر که در دنیا ظرف زر یا نقره خورد و در آخرت از آن بچند
فصل در صحیحین است که مومن را زبور پوشانیده شود تا جائیکه آب وضو آنجا رسیده و حاکم و ترمذی و غیره
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که بهشتیان راتاج باشند که او را مروارید آن با این مشرق و مغرب روشن سازد
 و آنحضرت فرموده که هر که مرده را کفن نماید او را اندر سندس استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده هر که
 مصیبت زوجه را تعزیت کند حق تعالی او را دو حله پوشانند که تمام دنیا بقیمت آن نرسد و فرموده هر که
 ترک لباس زینت کند بتواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلافت طلب کند و مختار سازد و از اطفا
 ایمان هر چه خواهد پوشد مفسران گفته اند که کسی از این هشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد
 یکی از زرد دوم از نقره سوم از مروارید از کعب جبار مرویست که حق تعالی در شش پیکارده است که از زور

قولاً طیباً ایمان یعنی طیبای که کسب نماید از این هشت باشد

پیدایش خود تا روز قیامت زبور شستیان تیار میکند از سعید بن جبیر در تفسیر قوله تعالی **لَا تَقْرَأُ**
مِنْ اسْتَبْرَقٍ یعنی فرشته شستیان است از استبرق با هم دوست که گفته که ظاهر این است که اگر با شستن از نور جاده
فصل **مُتَكَلِّفِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْكَانِ** یعنی تکیه زده بر اکیسها بنشینند و یک را در پهنی هر یک است گویند
 که در زیر آن تخت یعنی چهار پای آن باشد و با آن آن جمله باشد سجده گفته اریکها باشند از مر و اید و با تو
وَمَا دَرَقَ صَفْوَةً یعنی تکیه با هم صفت بسته از ابن عباس و یست که خیمه از مر و اید مجوف باشد
 فرسخ و فرسخ چهار رخنه از زردان باشد **تَقَالِبِينَ** یعنی ابله شست رو برو بنشینند بعضی گفته
 پشت نهد و در سجده ای است از اشعری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که خیمه یک دارد مجوف باشد
 که شصت کوه عرض آن باشد و هر گوشه از آن اهل خانه بنشیند بر موی که دیگر اهل خانه را میبندد آن موی همه آنها بگذرد
فصل در صحیحین از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که هر کس در بهشت دوز و جبهه با و ترندی باشد
 از آنحضرت روایت کرده که ترویج کرده شود موی هفتاد و زوجه گفتند یا رسول الله قوت هفتاد زن داشته باشد
 فرمود که قوت صد زن داده شود و ابن عساکر و ابن السکون از حاطب بن ابی لیثعه و احمد و ترمذی از ابی سعید
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که هفتاد و دوزن باشند هفتاد از خلقت بهشت و دوزن
 از اهل دنیا ازین روایت تطبیق هر سه روایت گشته و در بعضی روایات حد و نسا بر کثرت بسیار
 شاید آن باعتبار بعضی اشخاص باشد لیکن روایت دوزن از اهل دنیا شبهه پیش می آید که در حدیث
 که آنحضرت زنان گفت **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ** یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زنان را زن گفتند
 چرا یا رسول الله فرمود که شما بسیار لعنت میکنید و کفران نعمت شوهران مینمایید و نیز آنحضرت غایبها را
 دیدند در آن غایبها یکی بود سفید باز و با سرخ منقار و سرخ پا فرمود از زنان داخل بهشت نشوند مگر مانند
 این غایبها از غایبها یعنی بسیار کم و از حدیث معلوم میشود که زنان در بهشت از مردان مضاعف باشند
 توجیه چنان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن باشد که بدون تعذیب داخل بهشت نشوند لیکن
 انجام شان به بهشت باشد و مراد **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ** **لَا خُلُقَ** **أَبْدَلِيلَ** **لَكَ** علت دخول شان
 در دوزخ کفر بخدا نفرموده بلکه اکثر این کفران شوهر فرموده و تحیل که مراد آن باشد که هر کس از است حمیری

عنه
 قول از آنکه جاده باشد
 یعنی نوسه که یکجا
 شست و شستن

حاصل گفته نموده شده
 ای زنان اکثر دوزخی
 یعنی زنان اکثر دوزخ
 از آنکه در حدیث آمده
 از آنکه در حدیث آمده

و وزن باشند گوارانان هم سابقه باشند با طفل مرده باشد از اطفال سونین یا اطفال کفار و وقت
 دخول جنت جوان باشند در نکاح مردان مکلف داده شوند لیکن زنان که در دنیا نماز و روزه کرده اند
 از همه بهتر باشند زنان هشت پاک باشند از حیض و بول و غایط و آب دهن و آب بینی و دلد و منی آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم فرمود که اگر زنی از زنان هشت ظاهر شود ما بین آسمان و زمین روشن و خوشبو کند روشنی
 آفتاب را بپوشد و دهنی نرود از دنیا و ما فیها بهتر باشد فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در سبب
 چون داخل هشت شدم در موضعی که بتیج نام دارد در آن خیمه یا قوت و مردارید و زیر جلد بود و از زنان
 السلام علیک یا رسول الله پرسیدم یا جبریل اینچه آواز است گفت این مقصودات فی الجمله
 اند از حق تعالی اذن خواستند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنها گفتند ما زنا نیم راضی گاه بی ناخوشی
 نکنیم همیشه باشند گان گاه بی سفر نکینم طهرانی از بی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 فرموده که حوران هشت از زعفران مخلوق باشند و این مبارک از زید بن اسلم آورده که پیدایش آنها
 از مشک زعفران کا فور باشد از خاک و طهرانی و بهیقی از ام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرمود
 صلی الله علیه و سلم که زنان دنیا از حوران هشت در حسن افضل باشند مانند فضل ابره بر استر بسبب آن و روزی
 رویکشان را نوزخ شد و جسدشان اسفید و خوبی و مجامشان از مردارید و شانهاشان از زردی با ام
 پرسید یا رسول الله زنی در دنیا و شوهر کند یا سه یا چهار در بهشت که باشد فرمود که او را اختیار داده شود
 پس اختیار کند مگر ترا و اخلاق و همچنین ام حبیبه روایت کرده و ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر
 ازواج را باشد و ابن سعد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح
 مرد و آن زن شوهر دیگر نکند و در بهشت با وی جمع شود حق تعالی میفرماید اَنَّا اَنْشَأْنَا هُنَّ اَنْثَاءً
 فَجَعَلْنَا هُنَّ اَبْكَارًا اَعْمَرًا اَتَرَبَّابًا یعنی حق تعالی زنان دنیا را چون در بهشت داخل خواهد
 باکره و عاشقه شوهر خود و همه زنان بیک عمر باشند و ترمیزی و بهیقی از انس از آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که پیر زنان کو چشم و چو گین چشم راحی تھا جوان بکار سازد و نیز همچنین ام سلمه
 روایت کرده و در دیگر احادیث آمده که اهل بهشت مرد و زن همه بیک عمر باشند سی و سه ساله

در این حدیث آمده است که
 از زنان دنیا را چون در بهشت داخل خواهد

حق تعالی میفرماید **وَجَعَلْنَا بَيْنَ يَدَيْهِ جَهَنَّمَ** و گمان که **كُلُّهُ الْمَكْنُوتِ**
 یعنی مانند دروید و صدف و میفرماید **خَيْرَاتٍ حَسَنَةٍ** یعنی نیک خود خوشرو این مبارک از
 ادعای روایت کرده نیک خوابش در آن دراز میبوده گوناگون باشند رشک یکدیگر نکنند اینها
قَالَ صِرَاطُ الظُّلُمَاتِ یعنی چشم خود بر ازواج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نمیبینند و فرموده
 گوایب آنرا بآب یعنی پستان نو خاسته هم سن ابن ابی الدنیا از انس از آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که خورشی اگر در دریای شور آب دهن اندازد تمام دریا شیرین شود بهیچ
 از این عباس از آن سرور روایت کرده که این هشت راقوت جماع آنقدر باشد که در صبحگاه
 با صد زن جماع کند و بپران از ابی امامه از آنحضرت روایت کرده که آلات جماعت مانده نشود
 و شہوت منقطع نگردد و بزار و غیره از ابی سعید از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که
 این هشت بازمان خود جماع کنند باز زن باکره شود لیکن از جماع و دینت تواند باشد اگر
 کسی احیاناً آرزوی ولد کند حمل در او نمودن مولود در یک ساعت است و بدکذا را که
 و البیهقی و غیر جماعت صلی الله علیه و سلم در حدیثی آمده که مردی با یکی از جوین صحبت داشت تا
 ناگاه نوری از بالا ظاهر شود گمان برد که تجلی حق شده ظاهر شود که حوری است بهتر از اولی میگویی که
 ولی خدا آیام را با تو نصیب نیست چندی بادی صحبت دارد باز همچنین دیگری ظاهر شود بهتر از ثانیه
 و همچنین همچنین رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که غصه فرو برد با وجود قدرت حق تعالی او را
 بر سر خلافت طلب کند و مختار سازد در حوران هر که خواهد بگیرد و فرموده که سه چیزند هر کسی برای یکی از آن
 باشد او را عین داده شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا داد کند و خیانت نکند و کسی که قاتل
 خود را بپنشد و کسی که بعد از نماز سوره اخلاص بخواند و فرموده هر حوران قبضهای خراب و پارچها
 نان است یعنی آنچه بدرویشان بدیده و فرموده جاد بکشی مساجد حوران است و فرموده که هشت
 زمینت بگیرد از سالی تا سالی بر ماه رمضان حوران زمینت بگیرد از سالی تا سالی دیگر برای ماه
 چون رمضان داخل شود و هشت گوید آبی بگردان درینماه از بندگان خود ساکنان در حوران

گویند الهی بگردان از بندگان خود برای ما شوهران که سرود شود چشم ما از آنها چشم آنها از ما دور شود
در بهشت حور باشد عینا بهفتاد هزار غلام بردست راست و چپین بردست چپ او راه رود
و گوید که ما باشند از کفندگان معروف و نهی کفندگان از منکر و فرمود که اگر زنی مردی را در دنیا ایذا
زن او از حوران گوید آید آمده این که همان است نزد تو قریب که از تو جدا شود بسو ما آید حوران شتی را گفته شود
که میخواهید که شوهر خود را ببینید گویند آری انگاه برد از میان برداشته شود او را ببیند و اشتیاق ملاقات نماید

فصل از ابلی هریره و ابن عمر و غیره مرویست که حوران با و از خوش سرود کنند کسی نشینده باشد

مثل آن به تسبیح و تقدیس حمد و شای پروردگار و شکر او تعالی باین الفاظ سخن جو حسان
أَهْدِيْنَا لَزَوْجٍ كَرِيمٍ وَنَحْنُ الْخَالِدَاتُ فَلَا نَمُوتُ وَنَحْنُ الرَّاغِبَاتُ فَلَا نَسْخُنُ
وَنَحْنُ الْأَحْيَاءُ فَلَا نَمُوتُ وَنَحْنُ الْمَقِيَّاتُ فَلَا نَطْعُنُ وَوَرَدِثْتُكَ أَكْرَامُ اِبْلِ اِبْلِ هِشْت وَغَيْبُ رُ

کنند با و را حکم شود که در شاخای سبز درختان که از مر و اریست در آیند و حرکت دهند بقسمی که آوازها
خوش سر آیند و درختان را حکم شود که بندگان بن که خود را در دنیا از معازف و مزامیر باز داشته بودند
آنها را بشنوند پس آوازهای خوش از درختان به تسبیح و تقدیس آید و نیز ملائکه آوازهای خوش
به تسبیح و تقدیس گویند و گویند که خوف علیکم و لا تموتون و نیز در حدیث آمده که داود
علیه السلام را حکم شود آن حضرت با و از خوش حمد خدا خواند و حکیم در نوادر الاصول از ابی موسی از حضرت
صلی الله علیه و سلم آورده فرموده که هر که در دنیا سرود بشنود و اذن نشود که آواز روحانیان گرا اهل بهشت بشنود

فصل ظروف در بهشت از زر و انقره باشند شفاف مثل شیشه قوله تعالی کَانَتْ قُورَاتٍ

قُورَاتٍ بِرَمْنٍ فَهِنَّ هَمِنْ معنی دارد ظرف زر و انقره در دنیا هر چند باریک باشد شفاف نباشد
هر کس را از اهل بهشت بهفتاد ظرف از زر و انقره پیش آورده شود در هر یک یکی از طعام باشد که در دگر نباشد

فصل مردم که داخل بهشت شوند عداوت های شان که در میان باشد دور شود و با هم دوست

و محب شوند ادنی اهل بهشت را هزار خادم باشد و در حدیثی پنج هزار آمده و در حدیثی ده هزار خادم از
ولدان مخلص یعنی امردان که همیشه امر و باشند در قرآن است که ملائکه در بهشت داخل شوند و بر مومنان سلام گویند

و در حدیثی آمده که هر که در دنیا با کسی عداوت داشته باشد در بهشت او را از آن کسی دور است
و در حدیثی آمده که هر که در دنیا با کسی دوست داشته باشد در بهشت او را از آن کسی نزدیک است
و در حدیثی آمده که هر که در دنیا با کسی عداوت داشته باشد در بهشت او را از آن کسی دور است
و در حدیثی آمده که هر که در دنیا با کسی دوست داشته باشد در بهشت او را از آن کسی نزدیک است

فلا تبايس بين خفتنهم و خفتنك
و لا تبايس بين خفتنك و خفتنهم
و لا تبايس بين خفتنهم و خفتنك
و لا تبايس بين خفتنك و خفتنهم

بهشت کند لغو و بزل دشم و مانند آن نباشد هرگز پسید یا رسول الله در بهشت اسب باشد فرمود اگر داخل بهشت
 هرگاه سوار علی اسب خواهی کسی از یاقوت سرخ را سوار شوی او را بر باشند سپرد با تو و هر جا که خواهی راند و دیگر نشانی
 یا رسول الله شتر باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی هر چیز را که دل تو خواهد و چشم ترا لذت دهد میتیا باشد
فصل در بهشت بازار باشد که در آن بیع و شرا نیست مگر صورتهای مردان و زنان و در آن باشند
 بر صورت که کسی را خوش کند همدان صورت گردد و بجز آنی از ابی الدرداء از آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 روایت کرده در جنت عدن سواى انبیاء و شهداء و صدیقان کسی نباشد و باشد در آن آنچه در خطبه کوفی
 بهم گفته شده باشد تغییر گوید که شاید مراد ازین حدیث آن باشد که در آن رویت حق تعالی داعی باشد سلم
 از انس از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در بهشت بازار باشد در آن تو دلمی مشک باشد
 و جمیع مردم در آنجا روند با دشمنی برانند از دشمنی بر روی و پارچهای ثمان نشانند حسن و جمال زیاده
 شود چون نزد اهل خود روند آنرا گویند و الله شما حسن و جمال زیاده کردید و در احادیث آمده که بطور در
 مثل شتر نخنی باشند چون شخصی قصد خوردن آن کند بر خوان او پیش آید و از آن هر لذت خورد باز
 آن طایفه سپرد و برود در بهشت با هم ملاقاتها کنند بر شترها سوار شده و بر اسپان که نه بول کنند و نه گمین
 و ابن ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که در بهشت درخت
 باشد که از بالای آن حلما و از زیر آن اسپان ابلق از زر که زینبانی شان و با گمانی شان از مردارند
 یا قوت باشد و آنها را بر باشند و آنها قدم نهند چنانکه بصیر رسد اولیا را الله بران سوار شوند و بگذرند
 دیگر مردم که در مرتبه پست باشند بگویند یا الهی اینها کیستند که نورشان نورای ما را فرو نشاندند و ما
 که اینها در راه خدا اتفاق میکردند و شما بخل میکردید و اینها جامه میکردند و شما نمی شستید بهیچ از مجاهد
 ابی سلیمان در تفسیر قوله تعالی و اذا ار ایت نور ایت فیما و ملکا اکیتر که گفت که مراد از ملک
 آنست که فرستاده رب لغت تحفه و لطفها بر روی آرد و بوی نرسد تا که اذن دخول طلب کند از آنجا
 و آن حاجب حاجب دیگر و همچنین پس از آن بدولی الله بدخل و هرگاه آن لی خواهد لی اذن پروردگار خود شست
 تغییر گوید این از آنجاست که حق تعالی از جمل الوری و حجب غفلت در میان نیست که حضور داعی دارد

در آنجا که
 هرگاه نظر کنی
 ملک سلطان

فصل ترمذی و حاکم از بریده روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که این هشت
یکصد و بیست و شش باشد از آنجمله هشتاد و شش از امت من و چهل از دیگر ائمه و یکی و این عساکر
از جابر روایت کرده که سونسان بر جمعه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی بفرماید که بخوابید از آنجا
هر چه خوابند مردم بعلماء رجوع کنند که چه چیز در خواست کنیم علماء وجه سوال آموزند پس مردم بعلماء
در هشت هم محتاج باشند و طبرانی و بیهقی و ترمذی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده
که این هشت بر هیچ چیز حسرت نکنند مگر بر ساعتی که در دنیا در آن ذکر خدا کرده باشند این عساکر از
امیر المؤمنین علی رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که هشت بر هزار ساله را
بیرسد و بوی هشت عقود کنند و والدین را و طالع رحم را و پسرانی را که کسیکه از کبر دامن بر آید از کند رسد
فصل این هشت در هشت برادران و یاران و دوستان ملاقاتها کنند و ما جرایمی نیایند
بزار و بیهقی و غیره از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون هشتیان
داخل هشت شوند اشتیاق برادران کنند پس تحت یکی مقابل تخت دیگری آید و با هم سخن گویند
آنچه در دنیا گذشته بود و این هشت دوزخیان را هم ببینند و هرگاه هشتیان سخن آیند با هم
و اصحاب رجات عالی ملاقات نمایند طبرانی و ابوالفهم و غیره از عائشه روایت کرده که مردی نزد
پیغمبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت یا رسول الله من ترا از جان خود و اهل و ولد خود دوست میدارم
و چون بخانه میروم می تو صبر نمیتوانم کرد تا که بخیمت می آیم لیکن چون مردن خود و مردن تو خیال میکنم
می ترسم که تو در هشت در مقام پیغمبران باشی و من اگر به هشت رسم ترا بینم آن حضرت جواب داد
تا که جبریل نازل شد و این آیت آورد **وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ** اکایه احمد و طبرانی از ابی هریره و معاویه
بن جبل رضی الله عنهما از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که هر که در هشت شود یعنی در دنیا صغیر
یا کبیر همه شان اجر داشته باشند یعنی بر تمام بدن شان سوی نباشند و امره باشند یعنی رش و بصر
سی و سه سال باشند کیسان نه کم نه زیاد و در چشم سر کشیده و این اهل دنیا از این عساکر

کسی که از این هشت
است و خداوند بخواهد
این شان را از این
امر انعام کرده است
خداوند این شان را از این
صدیقان

که در بهشت موسی علیه السلام را ریش باشد تا سینه دیگر را نباشد و از کعب احبار مروست
 که آدم علیه السلام را ریش سیاه تا ناف باشد دیگر را نباشد شاید که هر دو را باشد نه غیر آنها را
 و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که جمیع ریش
 بناهای شان گفته شوند مگر آدم علیه السلام را ابو محمد ابو احمد گفته شود صلی الله علیه وسلم و طبرانی
 از ابن عباس آورده که زبان این بهشت عربی باشد و قرطبی گفته که چون مردم از قبول این زبان
 باشد و در بهشت زبان عربی باشد و صحیحین از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
 روایت کرده که دیدم اکثر این جنت فقر و اکثر اهل جهم زنان و بزرگواران آنحضرت صلی الله علیه
 وسلم روایت کرده که اکثر اهل این بهشت ابله باشند یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرت
 و وجهی گفته یعنی سینه صاف و خوش گمان و از بهری گفته غافل از شر و مسلم از ابی هریره از آنحضرت
 صلی الله علیه وسلم روایت کرده که داخل بهشت شوند جماعتی که دلهای شان مثل دلهای پندگان
 باشد یعنی خائف و گریزان از اختلاط عوام و صحیحین از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله
 علیه وسلم روایت کرده که حق تعالی این بهشت را گوید که شما را ضعیف گویند چرا ضعیف نشویم که ما را
 دادی که کسی را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید آید ادا دهام شما را آنچه ازین همه افضل است گویند
 ازین افضل چه باشد فرماید که از شما را ضعیف شده ام که گاهی ما را ضعیف نشوم
فصل بزرگترین نعمتهای بهشت دیدار خداست جل و علا و افض و خارج و منزلت از انوار
 دارند اهل سنت و جماعت بدان متدی شده اند حق تعالی میفرماید **وَجِبْرِيلُ يَخْلُفُ فِي الْاَرْضِ**
وَالَّذِينَ احْسَنُوا الْحُسْنٰى فَرِيبًا ذَا طَمَازٍ از حسن بهشت است و از
 زیاده دیدار حق تعالی تفسیر این آیه یعنی از هر چهار خلق را شدن و ابی بن کعب و کعب بن جراح
 از ابن مروویه و انس و ابو هریره و ابو موسی اشعری و ابن عباس و ابن مسعود و غیره مرویست در سوره
 رعد صلی الله علیه وسلم فرمود که خواهید دید پروردگار خود را روز قیامت چنانچه می بینید او را
 در شب چهاردهم در حالیکه هیچ حجاب و میان نباشد همچو بن سعید گفته که در بهشت حق تعالی

بعضی از مفسران گفته اند
 روز تازه باشد و در دنیا
 پروردگار خود را می بیند
 و آنرا از انوار می بیند
 که در حالت نیک باشد
 و زیاده ای در آن ۱۲

هفته حدیث صحیح وارد شده و اجماع است بر آن منعقد گشته انکار آن کفر است ذکر احادیث تروت
 بسیار طول دارد و قوتیکه بدولت دیدار شرف شوند جمیع نعمتها میبشت از نظر ساقط گردد اگر احیاناً
 مرویست که آنچه در دنیا روز عید باشد مردم بر ایند چنهای میبشت و خدا را بهرینند یعنی در یک
 یکد و بار و بعضی احادیث آمده که در هفته یکبار و شاید در حدیث سابق هم مراد از روز عید روز جمعه باشد
 و بعضی احادیث آمده در هر پنج روز یکبار و بهی از عیش و ایت کرده که بهترین اهل بهشت کسی باشد
 که هر صبح هشتام بنید و ابو نعیم از ابی یزید بسطامی رضی الله عنه روایت کرده که بندگان خاص حق تعالی
 چنان باشند که اگر یک آن از رویت محجوب شوند فریاد کنند چنانچه دوزخیان بر آخرو دوزخ فریاد
 فائده از امیر المؤمنین علی رضی الله عنه مرویست که تفسیر قوله تعالی ^{تلقه} **فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ** بوجوه اتفاق
رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا فرمود
 هر که خواهد خدا را بیند باید که عمل صالح کند و کسی را بران آگاهان زود خبر نکنند
 فصل بعضی علما گفته اند که رویت حق تعالی مخصوص بهرست ملائکه را نخواهد شد لیکن بهی ملائکه
 را هم رویت اثبات کرده از عمرو بن عاص روایت کرده که حق تعالی ملائکه را پیدا کرده خسته و خنفت
 بهر شان همیشه در عبادت قائمند تا روز قیامت چون روز قیامت شود بر آنها حق تعالی تجلی کند
 بهرینه حق تعالی را بگویند **مَا عَجَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ** و نیز از مروی از اصحاب از حضرت
 صلی الله علیه سلم روایت کرده که فرمود که حق تعالی را فرشتگان اند که از خوف خدامی لرز و شانهها
 شان نیست از آنها فرشته که میریزد قطره آب از چشم مگر از آن قطره فرشته می آید که تسبیح میکنند
 از فرشتگان از روزیکه پیدا شده اند در سجود اند سر از سجود بر دارند تا روز قیامت و بعضی صفت
 استاده اند از آن حرکت نموده تا روز قیامت چون روز قیامت شود حق تعالی تجلی کند و خدا را
 گویند **سُبْحَانَكَ مَا عَجَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ** یعنی پاکست مرترا عبادت نکردیم ترا چنانچه شاید
 فصل کفار از جن افوس در دوزخ باشند با اتفاق و در مؤمنان از جن علما را اختلاف است بعضی
 ایشان را دوزخ بهشت نیست معدوم شوند چنانچه ابو الشیخ از انس بن سلیم آورده که گفت مسلمانان

اینکه که اینست
 عاقبت بر دوزخ خواهد
 باید که بندگان دوزخ
 کند در عبادت
 اینست که اینست
 عاقبت بر دوزخ خواهد
 باید که بندگان دوزخ
 کند در عبادت

جن نه داخل هشت شوند و نه داخل دوزخ و همچنین از ابی حنیفه نقل میکنند لیکن حق آنست که مومنان جن را قتل
 و کافران را عذاب خواهد شد قال الله تعالی خطاباً للقلوب من خاف مقام ربه جنتان فی آیه الا
 ربهما اتکد بان و قال که می بینم این انس قبله و کافران و قال الله تعالی حکایه عن کلام
 الجن و من اسلم فاولئک تحرروا و ارشدوا و اما القاسطون فکانوا لجهنم حبکاً
 و بیستی از انس از انس و صلی الله علیه و سلم روایت کرده که مومنان جن را ثواب باشد و بر آنها عذاب باشد
 پس سوال کردیم از ثواب آنها فرمود بر اعراف باشند و درشت با است محمد صلی الله علیه و سلم نباشند
 پس سیدیم که اعراف چیست فرمود جایست بیرون هشت دران نه جاری اند و درختها و ثمرها و آراین
 و هب مروی است که رسیده شد که جن را ثواب باشد گفت آری حق تعالی می فرماید اولئک لکن
 حق علیهم القول فی امم قد خلقت من قبلهم من الجن و الانس انهم کانوا خاسرین و لکل
 درجات و بیستی از ابن عباس روایت کرده که خلق چهار قسم اند یک خلق تمام درشت باشند
 و آن ملائکه و یکی تمام در دوزخ و آن شیاطین اند و دو خلق بعضی درشت و بعضی در دوزخ و آن جن و انس
 و حمزه بن حبیب گفته جن داخل هشت شوند برای جن جنیات باشند و بر انس انبیات

الحمد لله رب العالمین خالق الجنة والنار
 والصلاة والسلام على محمد وآله
 المختار قبيل الجنة والنار
 على آله وصحبه
 الأخيار

خطاب کرده و جن را قتل
 و کافران را عذاب خواهد شد
 و همچنین از ابی حنیفه
 نقل میکنند لیکن حق آنست
 که مومنان جن را ثواب
 باشد و بر آنها عذاب
 باشد پس سوال کردیم
 از ثواب آنها فرمود
 بر اعراف باشند و درشت
 با است محمد صلی الله
 علیه و سلم نباشند
 پس سیدیم که اعراف
 چیست فرمود جایست
 بیرون هشت دران نه
 جاری اند و درختها و
 ثمرها و آراین و هب
 مروی است که رسیده
 شد که جن را ثواب
 باشد گفت آری حق
 تعالی می فرماید
 اولئک لکن حق علیهم
 القول فی امم قد خلقت
 من قبلهم من الجن و
 الانس انهم کانوا
 خاسرین و لکل درجات
 و بیستی از ابن عباس
 روایت کرده که خلق
 چهار قسم اند یک
 خلق تمام درشت
 باشند و آن ملائکه و
 یکی تمام در دوزخ و
 آن شیاطین اند و دو
 خلق بعضی درشت و
 بعضی در دوزخ و آن
 جن و انس و حمزه
 بن حبیب گفته جن
 داخل هشت شوند
 برای جن جنیات
 باشند و بر انس
 انبیات

خاتمه الطبع پس از سپاس آفریننده سید و معاذ و بهشت و درخ جزا دهنده عباد و درود سید کل شافع کل در
 محمود و برارنغ عاصیان از میان آتش و دود و خوشنودی اهل بیت و اصحاب صاحبان میزان گران از بالای
 بل چون برق گذران نموده می آید که چنانچه تذکره احوال یوفی دیان شد اندر قور باعث اقدام بر طاعت اعراس نور
 همچنین تذکره اهل آخوند معاد و امید و بیم تواب عقاب یوم التنا و عدت گزاشتن موجبات وقوع در بر این طلب
 اسباب خول و جهان است نظر بوجه پیشین پیش ازین ساله متبرکه تذکره الموفی و القیور بطبع دارنده جلوه فرما
 جهان گردیده اکنون نظر بوجه پیشین بر حسب یفای و عده سابقه که در خاتمه رساله موصوفه مطبوعه بر این تحریر پیشین بود
 کتاب هدایت نصاب تذکره المعاد و از اخادات جناب علم الکمد علامه الموری مولانا قاضی محمد شمس الدین
 قدس سره به تصحیح تمام و تسبیح مالا کلام و ترجمه عبارات عربیه ثبت حواشی ضروریه با اهتمام امیدوار افاضال یزیدین
 محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روش خان منصور در مطبع نظامی واقع کانپور بجا و آلا شمس الدین
 پیرایه طبع در کربشیده رغبت افزای دینداران بطاعت و اعراس فرمای گنجگار از ان معصیت گشت هرگاه اهل نظر
 چشم بصیرت برین شاهزیه بکشایند و بیخ دل را بیدار کش نور و سرور و فرمایند احقر را در وقت خاص بیاد آور
 حسن خاتمه ممنون فسر باید چون طبع خاکسار بطبع مصنفات جناب قاضی صاحب دس سره رغبتی تمام دار و خصوصاً
 تفسیر منطهری که بکلی عمت و بکلی نعمت خوانان طبعش میسر باشد فاسرایه حصول این مامل و ستی دیگر گزینان
 توجه دلی را در دعا کار فرمایند ما افاضال اینودی اسباب طبعش را از زانی فرموده آن خنده رخسار از
 مسطور قلمت بر منصفه کثرت بجلو گری نشاند و دیده آرزو مندان دیدارش را نور آگین و مسرت آگاهان
 آمین رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآصْحَابِهِ وَأَزْوَاجِهِ أَجْمَعِينَ

و چه ختم بر خاتمه برای سندین می که این کتاب مطبوع مطبع نظامیست محمد و دستخط مستم نموده شد



العبد
 محمد روش خان
 محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روش خان

۱۳۲۸

CALL No. { ۲۹۷۲ } (۵) ACC. NO. ۱۳۲۹۹
 AUTHOR نثار اللہ پانی پتی
 TITLE تذکرۃ المعاد

NOT TO BE ISSUED

PERSIAN SE

شام

۱۳۲۹۹ ۲۹۷۲

تذکرۃ المعاد

THE BOOK

Date	No.	Date	No.
NOT TO BE ISSUED			
PERSIAN SECTION			



MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

